

از حقوق دمکراتیک مردم و آزادیهای سیاسی نیروهای ضد امپریالیست دفاع کنیم

دولت باید سرسپردگان چماقداران را که برای مردم

شاخته شده هستند دستگیر، محاکمه و مجازات کند

در صفحه ۳

روستاهای گروگانکری و آدمکشی در جاده‌ها و سایر اقدامات جنایتکارانه خود می‌افزاید. عملیات این گروههای غرب میهن ما - پالیزان، سردار جاف و ... کرمانشاهان و ایلام - هم این مزدوران امپریالیسم و فرماندهان فراری ارتش و اکنون لحظات حساسی را از تمايدگان طقه سرمايه‌دار شاواک آریامهری از خاک سر می‌گذراند. باندهای ایران هر روز بر ابعاد عراق سازمان داده می‌شوند، صد خلفی و جنایتکار بختیار خراکاری، چاول و غارت

باندهای جنایتکار بختیار پالیزان را با بسیج زحمتکشان غرب سرکوب کنیم

بقیه در صفحه ۵

غرب میهن ما - پالیزان، سردار جاف و ... کرمانشاهان و ایلام - هم این مزدوران امپریالیسم و فرماندهان فراری ارتش و اکنون لحظات حساسی را از تمايدگان طقه سرمايه‌دار شاواک آریامهری از خاک سر می‌گذراند. باندهای ایران هر روز بر ابعاد صد خلفی و جنایتکار بختیار خراکاری، چاول و غارت

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید

موج اعدام فرزندان انقلابی خلق

خشم و نرفت مردم را از این جنایات وحشیانه برانگیخته است

خوزستان، فارس، کرمان، اندیمشک، گرد و تهران دهندتری به خود گرفته است. در این میان به ویژه دادگاههای انقلاب اسلامی اهواز و کرمان جای خاص را دو هفته بعد از اعدام رفیق شهید دکتر نبیمی سا طی چند هفتاد اخیر به دستور حکام شرع دادگاههای انقلاب اسلامی در گیلان، بقیه در صفحه ۱۲

* زحمتکشان جهان بدانند که تنها طی دو هفته اخیر در چهار شهرستان د نفر از رفقای ما را به جوشه اعدام سپرده‌اند.

موج دستگیری و اعدام انقلابیون در جمهوری اسلامی ایران هر روز ابعاد

بیکاری، گرانی، تفرقه و دشمنی زمینه‌ساز توده است

مجلس آینده نگر نیست

در حالی که بر اثر فشارهای امپریالیست‌ها و سودجوئی سرمایه‌داران وابسته، بیکاری، گرانی و خانه به دوشی زندگی را بر میلیون‌ها مردم زحمتکش می‌هین ما تنگ کرده است. در حالی که اقتصاد کشور را مشتی تجار مفت خوردۀ بازاری در چنگ خود گرفته و به غارت دسترنج کارگر و دهقان و زحمتکش مشغول شده‌اند، در حالی که موج ناراضی توده‌ها از جمهوری اسلامی روز به روز بیشتر می‌شود، در حالی که تولیدات صنعتی کشور بر اثر محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها و بی برنامگی حکومت جمهوری اسلامی برای درهم شکست آن به کمتر از ۴۵٪ ظرفیت تولیدی کارخانجات رسیده است، در حالی که همین عوامل باعث شده‌اند کسر بودجه، کاهش ذخیره‌ارزی و افزایش بدھی‌های دولت ابعاد سرسام‌آوری یابد، مجلس شورای اسلامی ایران بهجای پرداختن به درمان واقعی اقتصاد کشور، برنامه‌ریزی برای افزایش تولیدات صنعت ملی، حمایت از کشاورزی، تامین کار برای زحمتکشان، کاستن از بار گرانی، تامین مسکن و دیگر مایحتاج مردم زحمتکش یک رشته مشاجرات بی‌پایان را آغاز کرده است که ربطی به زندگی و مسایل و دردهای توده مردم زحمتکش ندارد.

هنوز بازرگانی خارجی ایران و معاملات عمده فروشی در انحصار مشتی تجار احتکارگر صاحب سرمایه بازار است. و این نظمی است که مجلس شورای اسلامی بطور جدی در فکر برهم زدن آن نیست. حتی جناح‌های نیرومندی در مجلس خود حافظ ادامه این اوضاع هستند. زمینه‌سازی‌هایی که از هم اکنون ... بقیه در صفحه ۲

شاه را بگور سپردیم

امپریالیسم امریکا را نیز بگور خواهیم سپرد

با مرگ شاه، زندگی یکی سمت و سوی تاریخ است. آنچه که بر شاه گذشت، قدرت و اراده مردم را برای دیکتاتوری که بساط فرمانروایی غارتگرانه آن را مردم قهرمان ایران با قیام ۲۲ بهمن ۵۷، واژگون ساختند.

پایان حکومت و زندگی شاه، سرنوشت محتوم همه کسانی است که در پیوند با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، با غارت و بهره‌کشی خلق‌های جهان خیمه‌گاه فرمانروائی خود را بر پا می‌دارند.

نابودی رژیم شاهنشاهی و فرار و دربداری و مرگ شاه که به قدرت لایزال توده‌های میلیونی مردم ما صورت گرفت بزرگترین گواه این حقیقت است که اراده میلیونی مردم تعیین کننده

در این شماره:

اردش در گردستان
چه می‌کند؟

* ارزیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق دشمن خلق‌های پاکستان و منطقه و نوکر سرسپرد امپریالیسم امریکا

(قیمت دوم) در صفحه ۱۳

تقی شهram، اجازه نداد دادگاه از محکمه

او علیه نیروهای انقلابی بهره برداری کند

در صفحه ۱۴

سیاست‌های دولت و مشکل مسکن

که شیم نایاب استقرار صلح شادلانه در گردستان و حشت مردم هیجان را
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم



نقش سرمایه‌داران وابسته در افزایش گرانی

سازسور، جعل، تحریف حقایق علیه نیروهای انقلابی،

سیاست اکثر مطبوعات حکومتی است

خبرگزاری اخبار کارگری

شماره ۱۶ در صفحه ۱۶

شماره ۱۷ در صفحه ۱۷

شماره ۱۸ در صفحه ۱۸

شماره ۱۹ در صفحه ۱۹

شماره ۲۰ در صفحه ۲۰

شماره ۲۱ در صفحه ۲۱

شماره ۲۲ در صفحه ۲۲

شماره ۲۳ در صفحه ۲۳

بقيه از صفحه ۱

مجلس آینده نگری

صورت می‌گیرد حاکی از آن است که مجلس سیاستی در برای سازمان‌های سیاسی مترقی و انقلابی پیش گرفته است که می‌خواهد کشور را به سوی آشوب و هرج و مرج سوق دهد.

ترکیب مجلس حاکی از آن است که اکثریت آن در برابر امپریالیسم امریکا و تجاوزات آن ایستادگی خواهد کرد. بسیاری از سران خائن عشایر، سرمایه‌داران بزرگ، زمینداران بزرگ و فئودال‌ها، پاندهای ضدانقلابی وابسته به امپریالیسم و دیگر مرجعین با این مجلس و این حکومت درگیر خواهند شد. در این میان ایستادگی اکثریت مجلس شورای اسلامی در برابر نیروهای وابسته به امپریالیسم مورد حمایت فعال نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست قرار خواهد گرفت. اما مجلس خود سیاستی را در پیش گرفته است که این حمایت را تقویت نمی‌کند. زیرا مجلس بجای متحد کردن مردم علیه دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم امریکا راه تفرقه‌افکنی، راه هرج و مرج را پیش گرفته است. مجلس شورای اسلامی در یک هفته اول کار خود جز مشاجرات لفظی نمایندگان، جز پرداختن به مسائل فرعی جز تشنج‌سازی و درگیری بین نمایندگان کاری از پیش نبده است.

در این شرایط حساس که درگیر مبارزه‌ای سخت و سرنوشت‌ساز با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا هستیم، بی برنامگی مجلس و عدم توجه آن به زندگی مشقت بار مردم، بیکاری و گرانی را باز هم بیشتر تشدید خواهد کرد. به گونه‌ای که تو گوئی این مجلس اسلامی عهد کرده است تا جائی که می‌تواند خود را از پشتیبانی مردم محروم سازد و حتی خشم آنان را نسبت به خود برانگیزاند.

توگوئی این حکومت اسلامی عهد کرده است که تمام نیروی خلق راکه در آغاز انقلاب به همراه داشت در کمتر از دو سال تمام از دست بدهد. چیزی که در تمام انقلاب‌های معاصر بی‌سابقه است.

اکنون مجلس سخت درگیر انتخاب نخست وزیر و ترکیب کابینه است. نخست وزیر آینده و ترکیب وزیران وی پاسخگوی مسایل بسیاری است که از هم اکنون برای مردم مطرح است. انتخاب نخست وزیر و ترکیب کابینه نیز نشان خواهد داد که مجلس شورای اسلامی تا چه حد مصالح مردم رحمتکش و آینده میهمان را در نظر داشته است. آنچه در این زمینه قطعی است آن است که مجلس زیر بار دولتی با سیاست‌های گام به گام نخواهد رفت که این خود هر چند نکته‌ای کاملاً مثبت است اما به تنهایی برای جلب حمایت مردم کافی نیست. روی کار آمدن نخست وزیر و کابینه‌ای انحصار طلب، قشری و تنگ‌نظر قطعاً زمینه‌ساز سرکوب و هرج و مرج و تشدید ناپسامانی‌های زندگی مردم میهمان خواهد شد و این کابینه‌ای است که بطور قطع هیچ آینده‌ای نخواهد داشت و نیز ممکن است کشمکش برسر انتخاب نخست وزیر و ترکیب کابینه ادامه یابد که این شکارترین نشانه بحران سیاسی عمیقی است که جمهوری سلام ایران گفتار آن است.

می بینیم که تشدید بحران اقتصادی و بحران سیاسی توام با سودگرمی حکومت و تشدید نارضایتی مردم از حکومت زمینه شکل‌گیری حریان‌های ضد انقلابی و واپسیه به امپریالیسم و توطئه‌چینی آنها را بیش از هر زمان دیگر فراهم آورده است.

از این رو بیش از هر زمان دیگر وظیفه سازماندهی مبارزه کارگران و زحمتکشان و هدایت آن در مسیر مبارزات ضد امپریالیستی وظیفه آگاه کردن مردم از خطرات رشد جریان‌های ضد انقلابی و خطر روی کار آمدن رژیم‌های امریکائی وظیفه مبارزه علیه هر نوع تفرقه و دشمنی افکندن بین مردم ، وظیفه متعدد کردن توده‌ها علیه دشمن مشترک امپریالیسم امریکا و عوامل داخلی آن بر عهده نیروهای انقلابی و مترقبی قرار گرفته است .

* * *

رفقا ! بیش از هر زمان مردم نیاز دارند که به میان آنها
برویم . با آنها صحبت کنیم موضع خود را با آنها در
میان بگذاریم و پیوندهای استوارتری با آنان به وجود
آوریم . هیهات اگر مردم را تنها بگذاریم .

اردش در کردستان چه می‌کند؟

● فرماندهان خائن اوتش در کردستان با دستیحات مسلح وابسته
به امیریالیسم همکاری می‌کنند

● ارتش در کردستان مردم بیگناه را بمباران می‌کند و مزارع را به آتش می‌کشد

به کردستان را یک آموز عادی پایا تصادفی نمی دانیم . این سیاست ضدانقلابی که توسط فرماندهان ضدخلقی در ارتش محافظ سرمایه داران لیبرال پیاده می شود ، یجز تقویت و تمرکز نیرهای نظامی طرفدار امریکای جنیتکار در کردستان هدف دیگری بدارند آنها به خوبی می دانند که دولت به دلیل سیاستهای سرکوبگرانه پایگاهی در بین توده های خلق کرد نارد بنا بر این کردستان را محل مناسبی برای تمرکز و فعالیتهای ضد مردمی خود تشخیص داده و ضمنا از طریق مرزهای غرب کشور به آسانی می توانند با عوامل فراری رژیم سابق در عراق ارتباط برقرار کرده و برای توطئه علیه مبارزات مردم ایران و لوث کردن جوش حق طلبانه خلق کرد ، دست به اقدام مشترک بزنند در چنین شرایطی عدم موضع گیری قاطع برخی نیروهای سیاسی کردستان در مقابل این مزدوران و دیگر عوامل و محافظ وابسته ، هرچه بیشتر به آنها میدان داده است و دست آنها را در عالیتهایشان بازتر کرده است .

فرمانده پادگاه سقز که از افسران طرفدار شاه است و
اخيراً به اين سمت منصوب شده است طي سخنرانی اي که
در پادگان برای پرسنل ايزاد گرده است اظهار داشت که:
”ارتش در زمان شاه دارای انضباط خوبی بود، پرسنل
ارتشی باید همچون گذشته با انضباط باشند! ما باید
در تبدیل ارتش به يك ارتش مدرن و قوی بگوشيم، ارتش
ما باید مثل ارتش های مترقی امریکا، انگلیس، آلمان و
فرانسه باشد! تا بتوانیم مثل گذشته آرامش را در گشور
برقرار سازیم！”

ما در رابطه با تمرکز و تقویت نیروهای نظامی وابسته به رژیم سرنگون شده شاه جناحیتکار در کردستان به همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه و نیز به دولت جمهوری اسلامی هشدار می‌دهیم. سیاستهای سرکوبگرانه و نادیده گرفتن حقوق دمکراتیک خلق کرد از طرف دولت جمهوری اسلامی بیش از هر عامل دیگر در رشد و تقویت این مزدوران و دیگر عوامل وابسته موثر واقع شده است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که همواره در راه استقرار صلح در کردستان کوشیده است، بار دیگر به مقامات مسئول جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد که ادامه سیاست کنونی دولت در ترددستان، نه تنها خطر جنگ برادرکشی را در کردستان افزایش می‌دهد، بلکه بیش از همه مهمتر از همه باعث شده است که نیروهای ضد انقلابی و محافل وابسته به امپریالیسم چنان در غرب کشور تقویت شوند که هم اکنون به صورت یکی از بزرگترین خطرات انقلاب مردم ایران را تهدید می‌کنند. گزارش‌زیر که شاخه کردستان ارسال داشته است، گوشه‌ای از نتایج سیاست کنونی جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد:

اعزام واحدهای ارتش به
دریستان همچنان ادامه دارد
ناکنون نیروهای زیادی از
شهرهای کرمانشاه، قزوین،
ارومیه، مراغه، اردبیل،
اصفهان، اهواز، تهران و
حتی مشهد به کردستان
سازیر شده‌اند. مقامات
مسئول دولت جمهوری
اسلامی می‌پندارند که
حاکمیت دولت در کردستان
برقرار شده است و یا به
تدربیج برقرار می‌شود و برای
این کار هرچه بیشتر
می‌خواهند نیروهای ارتش را
به کردستان اعزام کنند حال
آنکه اعزام این همه نیروی
نظامی پیش از آنکه به
برقراری حاکمیت دولت
جمهوری اسلامی بیانجامد،

به تقویت و تمرکز محافل و نیروهای سلطنت طلب ارتش در کردستان منجر شده است درمیان نیروهای اعزامی به کردستان واحدهای "کلاهسیز" گاردجویدان و نیز بسیاری از افسران سلطنت - طلب دربار به چشم میخورد که امروز در کردستان آشکارا به نفع ژئم سرنگون شده شاه و باند اویسی - بختیار تبلیغ می‌کند: این مزدوران شاهنشاهی ضمن اینکه خود در سرکوب مردم و گسترش جنگ در کردستان فعالانه شرکت دارند، سعی می‌کند پیا استفاده از نارضائی‌های توده‌های خلق کرد که ناشی از سیاستهای سرکوبگرانه حکومت جمهوری اسلامی است آنها را هرچه بیشتر به انقلاب بدین و برای امپریالیسم امریکا، و فرماندهان فراری ارتش تبلیغ کند. در همین حال در مناطق مزدی قصر شیرین هزاران

از حقوق دمکراتیک مردم و آزادیهای سیاسی نیروهای ضد امپریالیست دفاع کنیم

دولت باید سوپردرگان چماقداران را که برای مردم شناخته شده هستند دستگیر، محاکمه و مجازات کند

از سوء يا حسن رفتار طرف مقابل واقعيت دارد و ريشه آن در حصوصيت جمهوري اسلامي ايران است که از هادي غفاری و از اعمال وحشیانه چماقداران در چهارگوشه ايران حمایت میکند و آنان را به قانونگذاران این جمهوري منصوب کرده است.

اگر اقدامات گروههای آنارشیست در شدت دامنه این حرکات لجام گسیخته موثر بوده است، سیاست‌های تسلیم طلبانه و رفرمیسم "حزب توده" نیز خود همواره مشوق این جریان واپسگرا در حمله به آزادی‌های سیاسی و سلب حقوق دمکراتیک مردم بوده است. آن یک محرك تنگ نظری و این یک مشوق آن و هر دو به شدت زیانبارند.

اینک بر دولت جمهوری اسلامی است که با توجه به اینکه سردمداران چماقداران و حامیان آنان بیشترین خدمات را به وحدت مردم وارد ساخته و علا در خدمت منافع امپریالیسم امریکا و ایادی داخلی آن قرار دارد، در دستگیری، محاکمه و مجازات این عناصر بیش از این مسامحه و تعلل از خود نشان ندهد. بدیهی است که وقتی سردمداران چماقداران شناخته شده‌اند، در صورتی که دسگیر و محاکمه و مجازات نشوند، هرگونه عواتب وخیم اعمال ضد انقلابی آنها مستقیماً بر عهده مقامات مسئول دولت جمهوری اسلامی ابا ای است.

با این همه مأباد دیگر
اعلام می‌داریم که بسیج
آگاهانه مردم در دفاع از
آزادی‌های سیاسی و حقوق
دموکراتیک و اتحاد عمل همه
نیروهای ضد امپریالیست و
ترقیخواه در پیشبرد مبارزه‌ای
اصلی و همه جانبی با
سیاست‌ها ارتقا یابی نیروهای
که حقوق دموکراتیک و
آزادی‌های سیاسی را به
مخاطره اند اختراند، ضامن
اصلی مدافعتی است که از
آن سخن گفته‌ایم.

اقدامات کور، ضد دمکراتیک و "فاسیست بازی‌های " حجت‌الاسلام هادی غفاری و دار و دسته او بیشترین زمینه را برای عوام‌گریبی جبهه ملی، جریانات سه جهانی و سایر محافل و دستجات لیبرالی فراهم ساخته و به آنان حقانیت بخشیده است.

پاسداری از آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم به نیروهای ضد امپریالیست، ترقیخواه و انقلابی امکان بیشتری می‌دهد که با افشاری محافل لیبرال و جاسوسان سه‌جهانی یerde از چهره کثیف آنها بردارند و رابطه‌ای را که بین منافع آنان و امپریالیسم جهانی بسیار دگرگان امیریکا وجود دارد، آشکار کنند و دشمنی آنان را با انقلاب مردم و منافع کارگران دهقانان به تمامی مردم ایران بشناسانند.

سازمانگری سیاسی رحتمکشان و متشکل ساختن مردم برای مبارزه‌ای بیگیر و تا به آخر با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا تنها راد مقابله‌هو مبارزه با متحدان داخلی امپریالیسم است. چند تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی به معنی مبارزه متشکل و آگاهانه با پایگاه داخلی امپریالیسم و نیروهای متحد و داخلی امپریالیسم در داخل مرزهای کشور

است. ناتوانی حمایت اسلام

در تعقیب همین سیاست بود که در هفته‌های نخست قیام، رمانی که بازگان و جاسوس امریکا، امیرانظام برای خوش رقصی در برابر امپریالیسم امریکا قصد داشتند با این بهانه که قوانین جدید هنوز تدوین نیافته، "حزب توده" را منوعه اعلام کنند و نخستین گام را در منوعیت فعالیت نیروهای سیاسی ضد امپریالیست بردارند، ما با سیاست دولت بازگان مقابله کردیم و از فعالیت آزاد "توده‌ایها" و دیگر نیروهای ضدامپریالیست قاطعانه دفاع کردیم.

امروز نیز سازمان ما
بمثابه نیروئی که بطور پیگیر
از آزادی‌های سیاسی و حقوق
دموکراتیک مردم دفاع می‌کند
وظیفه انقلابی خود می‌داند
که حملات اخیر به نیروهای
ضد امپریالیست را که به
نحوی گسترده علیه اغلب
نیروها و سازمان‌ها و جزایرات
ضد امپریالیست از جمله
مجاهدین خلق، کانون
معلمین مسلمان، "حزب
توده" و ... صورت گرفت،
محکوم نماید.

ما همچنانکه بارها اعلام
داشتہایم خواهان درهم
شکستن احزاب و محافل
سرمايهداران لیبرال و
کلوب‌های علمی جاسوسان سیا و
پنتاگون، مبلغین تئوری سه
جهان و دار و دسته
امپریالیستی "حزب رنجبران"
هستیم.

با این‌همه تاکید می‌کنیم که

سیاسی مردم از خود بروز دهد.

این سیاست ضمن دشمنی با
رمایه‌داران لیبرال و
خالفت با کلوبهای علی‌
اسوسان امپریالیسم امریکا
نند حزب رنجبران، در
شمنی با نیروهای که در
بیبهه مردم قرار داشته و
عالیتهاي آنان مضمونی
ردیمي و ضدامپریالیستی
ارد نیز کور و لجام گسیخته
قدام می‌کند و به این ترتیب
رژ دوستان و دشمنان مردم
ا به هم می‌ریزد، پراکندگی
سفوف مردم را دامن زده و
ه تقویت جبهه ضدانقلاب
اری می‌رساند.

جریانی که هادی غفاری‌ها
ن را نمایندگی می‌کنند، در
جهه سرکوب نیروهای ضد
مپریالیست از حمایت کامل
مپریالیسم امریکا و ایادی
اخلی آن که در خیلی از
وارد زیر پوشش دفاع از
سلام عمل می‌کنند،
رخوردار است. از آین رو
ساواکی‌های شناخته شده،
اعضای دستجات امریکائی
غفانی از جمله جاسوسان
سه جهانی در میانشان
عالانه حضور دارند.

این سیاست که بستر
ساعده در جمهوری اسلامی
یزان برای رشد یافته است،
مروز در ابعاد وسیع تری
زادی های سیاسی و حقوقی
دموکراتیک مردم را تهدید
می کند. امروز دستجات
متعددی بر این پایه سازمان
یافته است. تهاجم قمه به
دستان سیاهپوش که در روز
بکشنبه گذشته در خیابانهای
طراف دانشگاه شاهد آن
بودیم، ابعاد خطراتی را که
از ناحیه چنین سیاست هایی
نقلاً مردم ما را تهدید
می کند، آشکارتر از هر زمان
دیگری نشان می دهد.

ما سیاست خود را در زمینه دفاع از آزادی‌های سیاسی و مقابله با چهاردان و جاسوسان امریکا بارها به صراحت اعلام کردیم. در برنامه حداقل سازمان ما یادآوری شده است که حقوق دمکراتیک همه نیروهای ضد امیریالیست باید تضمین شود.

روز شنبه در همان ساعاتی
که دستچات او باش مثل

همیشه عربده کشان
خیابان های اطراف دانشگاه
تهران را فرق کرده بودند،
صدای و سیمای جمهوری
اسلامی ایران اعلامیه
دادستان کل کشور را که برای
حمله به احزاب و مطیوعات
ممنوعیت شرعی و عرفی قائل
شد بود، فرائت کرد.

مقامات رسمی این بار هم مثل گذشته وعده دادند که مسببین این اعمال شناسائی و مجازات خواهند شد. اما در همین حال یکی از شناخته شده ترین سردستگان حماقداران که تا کنون عامل

خونریزی و جنایتهای زیادی
بوده است، با صراحت
اعتراف نی کرد که مهاجمان
را هدایت کرده و بر
عملیاتشان نظارت دارد.
حجت‌الاسلام غفاری سازمانده‌
و الهام بخش او باشان چنین گفت:
”ما تا گنون فاشیست‌بازی
در نیاوردیم ولی از این به
بعد فاشیست‌بازی در
می‌آوریم. تصمیم ما بر این
است که تمام دقایق و
سازمانهای غیر از خط‌امام را

بگیریم ” هادی غفاری تجسم کامل سیاستی ارتجاعی است که توان تحمل هیچ سازمان و دسته سیاسی غیر از خود را ندارد و فارغ از قید و بند هرگونه قانون با چماق فرمان انحلال احزاب و منوعیت نشریات را صادر می کند . این سیاست نشانه از تحریر سیاستی است که در عرصه مبارزات سیاسی - ایدئولوژیک جامعه ما کارش به ورشکستگی کشیده شده و خود را قادر به مبارزه سیاسی در شرایط دمکراتیک نمی بیند . این سیاست بیانگر ناتوانی های قشع است که مضطرب و

آشوند به همه کس و همه جا
هجموم می برد بی آنکه قادر
باشد دوست و دشمن را
بشناسد .

هادی غفاری نماینده
جسم آن سپاستی است که در
جمهوری اسلامی ایران
بیشترین دشمنی را با حقوق
دموکراتیک و آزادی های

گستردگی باد همگامی و همکاری همه نیروهایی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

(قسمت سوم)

گرانی درد بی درمان سرمایه داری وابسته

نقش سرمایه در افزایش گرانی

چندانی در ماهیت وابسته این صنایع و کنترل اتحادیات امپریالیستی برآن به وجود نمی آورد. ۳- این قانون تنها شامل واحدهای تولید می شود و شرکتهای تجاری از آن مستثنی هستند. بنابراین سهام همین ۵۲ نفر در شرکتهای تجاری وابسته به تملک دولت در نیامد.

حال بینیم این قانون دست و پا شکسته تا چه اندازه توافضه (و می تواند) مانع عمل سرمایه داران وابسته گردد؟ صنایع وابسته ایران بخشی از زنجیر شبکه امپریالیستی جهان است. این صنایع که تکنولوژی و روشهای فنی تولید آنها به وسیله اتحادیات امپریالیستی و بنا بر الزامات آنها تعیین شده است، از جهت مواد اولیه صنعتی، قطعات منفصله (که در این صنایع وابسته مونتاژ می شود)، ماشین آلات و لوازم یدکی به اتحادیات امپریالیستی وابسته اند. در واقع این صنایع جزئی ارگانیک از اتحادیات امپریالیستی هستند و از طریق حفظ پیوندهایی که برای بر پا نگهداشت این صنایع با امپریالیسم جهانی ضروری است این اتحادیات کنترل خود را بر این صنایع اعمال می کنند و از همین طریق بخش عظیمی از ارزش اضافی ایجاد شده در اقتصاد وابسته ایران را به یغما می برند.

این صنایع عموماً قراردادهایی برای تأمین تکنولوژی مواد اولیه و قطعات منفصله با اتحادیات مادر دارند. همانطورکه در شماره پیشین گفتیم، بخش عظیم واردات ایران محصولاتی است که برای راه انداختن این صنایع به کار برده می شود. نقل و انتقال مواد و محصولات مورد نیاز صنایع وابسته از طریق شبکه

امپریالیستی تأمین شود و اینها درست همان شرکاء و یاران همین سرمایه داران وابسته هستند و نیز از آنجا که بیشتر این مواد در بازارهای اتحادیاتی عرضه می شوند و هرگونه قیمت گذاری بر آنها ممکن است سرمایه داران وابسته با پرداخت هزینه های گراف برای این مواد اولیه و کالاهای واسطه، بخش عظیمی از ارزی را که برای خرید این کالاهای پرداخت می کردند، عمل به حسابهای خود در خارج واریز می کردند.

گذشته از این، سرمایه داران وابسته تمامی کوشش

خود را به کار برند تا هرچه می توانند سرمایه خود را

به بخش تجارت انتقال دهند تا بیرونی سیله ناگزیر به

پاسخگویی به خواستهای برق کارگران نباشد. این

کار از آن روی مطلب سرمایه داران وابسته بود که از

یکسوی برشی از مهم ترین سرمایه داران تجاری وابسته

به ویژه وابستگان به دربار که اتحادیات بزرگ

تجاری را در اختیار داشتند، گریخته بودند و

غنیمت های پرازرسی را بر جای گذارده بودند، و از

سوی دیگر با اختلالی که همین سرمایه داران وابسته در

تولید محصولات صنعتی ایجاد کرده بودند، قیمتها در

بازار ایران پیوسته با سرعتی حیرت آور رو به افزایش

بود.

این حرکت سرمایه وابسته به سوی سرمایه تجاری خود

باعث اختلالی بیشتر در میزان تولید صنایع وابسته شد

کمیابی و گرانی کالاهای همراه با بیکاری به سرعت

بیشتری رو به افزایش نهاد.

آنبوه بدھی های صنایع وابسته عدم تعایل

سرمایه داران وابسته به راه انداختن کارخانه ها و

همچنین فشار روز افزون توده ها برای ملی شدن صنایع

وابسته، دولت بازرگان را ناگزیر ساخت که علیرغم میل

خود صنایع را "ملی" اعلام کند.

صنایعی که بنا به قانون "حفاظت و توسعه صنایع

ایران" ملی اعلام شد، اساساً در دو گروه قرار

می گرفتند. بند الف قانون، گذشته از نفت، گاز، برق

دخانیات و... را که قبل ملی شده بود، صنایع

فولاد، مس و آلومینیم، کشتی سازی (!)، هواپیما

- سازی (!) و اتموبیل را در بر می گیرد. این صنایع که از

سه امداداران داخلی آنها سلب مالکیت شد، اساساً

صنایع وابسته ای هستند که با اتحادیات امپریالیستی

جهان پیوندهای عمیق دارند. در این زمینه

احتحادیات امپریالیستی بنا بر سیاست عمومی خود در

رابطه با جنبش انقلابی ایران فشارهای را بر اقتصاد

ایران وارد آورده اند. از محدودیت فروش سنگ

آلومینیم به ایران گرفته تا اعمال فشار هیلمن انگلستان

(شرکت تابع کرایسلر امریکا) برای تغییر مدل دادن در

اتوموبیل پیکان (در ضمن بد نیست بد اینم که خیامی

نماینده اتحادیاتی فروش لوازم یدکی پیکان در خاور

میانه است و همچنین برادران و هابزاده که در گذشته

نماینده ب.ام.و.و. و تراکتور کاترپیلار در ایران بودند،

همین نقش را در مورد لوازم یدکی ب.ام.و.و. و کاتر-

پیلار دارند).

بیشترین توجه و بهترین نکته سلب مالکیت از

۵۲ سرمایه دار وابسته ای بود که شامل بند ب قانون فوق شدند

بنابراین قانون، سهام کسانی که به عنوان داشتن رابطه

نامشروع با شاه و دربار شاه ثروت "نامشروع" به دست

آورده بودند، به تملک دولت در می آید.

در اینجا توجه به چند نکته ضروری است

۱- در این قانون ملاک وابستگی به دربار مورد

توجه بوده است. بسیاری از سرمایه داران وابسته به

امپریالیستی که بنا به تشخیص کارگران دولت به دربار

شاه وابسته نبوده اند، شامل این بند نشدن و آزادانه

و با داشتن حکم برائت به کار "مشروع" و "مشروع"

خود ادامه دادند.

۲- بنا بر این قانون تنها سهام اشخاص وابسته به

رژیم گذشته مصادره می شود. بنابراین دولت با مصادره

سهام این اشخاص با سهامداران دیگر که به علت

"عدم وابستگی" به دربار شاه منزه و مبری تشخیص

داده شده اند، در مالکیت شریک می شود ولی شرکت

دولت (همچنان که در این باره خواهیم گفت) تغییر

اقتصاد سرمایه داری وابسته ایران از طریق پیوندهایی گستردۀ عمیق تحت تابعیت و سلطه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا است.

یکی از مهمترین ارکان این وابستگی تولید صادرات نفت خام ایران است که در خدمت اتحادیات نفتی و اقتصاد کشورهای امپریالیستی جهان بوده است. در این باره در شماره های گذشته اشاره کردیم و پس از این نیز در این باره خواهیم گفت.

رکن مهم دیگر وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم جهانی، صنایع وابسته ایران است که با توجه به نیازها و الزامات سرمایه های امپریالیستی به منظور به حداکثر رسانیدن ترخ سود خود در شبکه جهانی فعالیت های امپریالیستی بربا شده است. سرمایه های امپریالیستی بیشتر در آورده است. سرمایه داری وابسته این کشورها را به شبکه جهانی اتحادیات امپریالیستی منتقل می کند.

سرمایه مالی امپریالیستی که شبکه بانکی، تجاری و نیز تولید صنعت وابسته اقتصاد ایران را تحت سلطه خود درآورده است، آن را از طریق پیوندهای پولی، تجاری و تکنولوژیکی تحت فرماندهی سرمایه های خسرو شاهی ها، حاجی بروخور دارها، ثابت ها نمونه های بارزی از سرمایه داران وابسته هستند اما بسیارند سود هرچه بیشتری کسب کنند.

سرمایه داران وابسته یار و شریک امپریالیسم در استثمار کارگران و تصاحب دسترنج زحمتکشان میهن ما هستند و از این راه سودهای کلان می برد و هنوز نیز می بردند. خیامی ها، لا جوردی ها، خسرو شاهی ها، حاجی بروخور دارها، ثابت ها نمونه های بارزی از سرمایه داران وابسته هستند اما بسیارند سرمایه داری وابسته چهره های معروف و شناخته شده برای عموم توده های محروم زحمتکش میهن ما نیستند. اینها هنوز هم با همدستی امپریالیسم در اقتصاد سرمایه داری وابسته ایران به غارت کارگران و زحمتکشان مشغولند.

در اینجا به نشان دادن زمینه عمل امپریالیسم جهانی و سرمایه داران وابسته در اقتصاد وابسته می پردازیم تا بینیم اینها علاوه بر خرابکاری هایی که در جهت جلوگیری از رشد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران انجام می دهند (که در شماره پیشین به آن اشاره شد) چه نقش مستقیمی در افزایش گرانی بر عهده دارند و چه سودهای کلانی از این راه می بردند؟

پس از قیام پرشکوه بهمن ۵۷ برخی از کثیف ترین و غاریگر ترین سرمایه داران وابسته ایران چون خیامی ها، رضائی ها، آیت ها... از ایران گریختند. آنان که از ماههای بیش از قیام خطر را احساس کرده بودند چندین بار بر ارزش کارخانه های خود از باکه های داده وابسته شاه وام گرفته بودند و به خارج انتقال داده بودند. آنچه آنان بر جای گذاشتند کارخانه های وابسته بدهکار و ورشکسته ای بود که دولت بازرگان با تقبل بدھی های آنان و کوشش در جهت تحکیم پیوندهای وابستگی آنها در پی به راه انداختن آنها بود.

آنان نیز که نگریخته بودند، نگران از وضعی که در پیش می دیدند، دست به همان کاری زدند که گروه نخست زده بود. آنان نیز هرچه توانسته بودند وام

گرفته و به خارج منتقل کرده بودند و در روزهای پس از

قیام ظاهرا با قیافه های مظلوم مدعی آن بودند که برای

بمهاره انداختن کارخانه نیاز به وام های جدید دارند.

بازگان، نخست وزیر منتخب با همراهی شورای انقلاب

و مولوی رئیس بانک مرکزی ۸ میلیارد تoman اعتبار برای

این صنایع تخصیص داد. از این مبلغ در حدود ۴

میلیارد تoman در اختیار این صنایع گذاشتند شد تا

ظاهرها حقوق کارگران را بپردازند و مواد اولیه و کالاهای

واسطه مورد نیاز خود را بخرند. بخش عظیمی از این

وام ها از طریق حقه های بازگانی و از ریزی به خارج منتقل

شد. قضیه از این قرار بود که آنچا که مواد اولیه و

کالاهای واسطه صنایع وابسته عدالت باید از اتحادیات

امپریالیسم در مناسبات سرمایه‌داری نهفته است و تنها با نابودی نظام سرمایه‌داری است که این دستجات جنایتکار و ضد خلقی هم برای همیشه نابود خواهد شد باید با تبلیغ و ترویج وسیع در میان زحمتکشان غرب کشور ماهیت این باندها را به خوبی برایشان افشا کرد. باید اهداف و مقاصد آنها را مذام و مکرر برای زحمتکشان تشریح نمود، باید با ارائه راه حل صحیح مشکلات مردم، آنها را به آینده امیدوار کرد، باید به آنها گفت و بارها و بارها تکرار کرد که راه نجات نه در بازگشت به رژیم گذشته و نظم سابق که در ادامه مبارزه تا محو کامل تمامی آثار و نشانه‌های آن نظم است - سازمان ما دقیقاً در تعقیب سیاست فوق از همه رزمندگان فدایی، همه انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای مترقب و انقلابی می‌خواهد که حتی یک لحظه در کار آگاهی بخشی و بسیج توده‌ها به منظور مقابله، با اعمال جنایتکارانه باندهای وابسته به امپریالیسم درنگ نورزند. تأمل جایز نیست. باید بدون لحظه‌ای تردید تمام توان خود را برای سازماندهی سرکوب نظامی باندهای فوق با تکیه بر انرژی و خلاقیت انقلابی توده‌ها به کار گرفت و در ۱۵ بقیه در صفحه

باندهای جنایتکار بختیار - پالیزبان را با بسیج زحمتکشان غرب

بقیه از صفحه ۱

سرمایه‌داران لیبرال درون و بیرون حاکمیت به مثابه حاملین سیاست امپریالیسم، ایران بارها به کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان ایران هشدار داده‌ایم و شیوه‌ها و سیاست‌های آنان را برای بازگرداندن اوضاع سابق افشا نموده‌ایم. در رابطه با آن بخش از نمایندگان امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار نیز که از طریق عملیات نظامی آشکار و قتل و غارت و تخریب اهداف طبقاتی‌شان را پیش می‌برند - یعنی باندهای بختیار، پالیزبان و اویسی - موضع خود را با صراحت تمام و بدون هیچگونه پرده پوشی همواره باید توجه داشت که تا وقتی مناسبات ضد انسانی سرمایه‌داری بر جامعه ما حاکم است، نه تنها ریشه این نیروهای وابسته به امپریالیسم نخواهد خشکید، بلکه آنها بر زمینه این مناسبات رشد خواهند کرد و همواره دستاوردهای مبارزات خلق را تهدید خواهند کرد. مردم باید بدانند که ریشه تمام این توده‌ها بر این سیروهای وابسته به کارگران پیش رو غرب تهران:

اطلاعیه کارگران پیشو از غرب تهران:

اخیراً اعلامیه‌ها و نوشتہ‌های تحت عنوان "کمیته کارگری غرب تهران" و یا کارگران پیشو غرب تهران منتشر شده که نشان‌دهنده تائید آن از موضع اقلیت منشعب از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌باشد. از آنجا که "کارگران پیشو غرب تهران" عنوانی جهت تسهیل امور تبلیغی در بین کارگران می‌باشد و ما هیچگونه تفکیکی بین تشکیلات کارگری و تشکیلات سیاسی طبقه کارگر قائل نبوده و نیستیم بنا برایین به عنوان ارگانی با استقلال نسی، همچون شاخه‌های سازمان، در مورد انشاعاگران انحلال طلب موضع گیری نکردیم زیرا خود را جزئی از تشکیلات مرکز سازمان می‌دانیم.

با اینحال مشاهده گردید که آنارشیستهای ما که به هیچ اصل لینینی پایه‌بند نبوده و سعی دارند با ایجاد اغتشاش در اذهان برای خود کسب حیثیت کنند، نام کارگران پیشو غرب تهران را نیز مصادره انقلابی! نموده و با این عمل اوج هرج و مرج طلبی و آشفته فکری خود را به معرض نمایش گذاشتند.

ما اعلام می‌داریم کارگران پیشو غرب تهران ناکنون هیچگونه اطلاعی از این تشکیلات نوظهور نداشته و طبعاً هیچگونه مسئولیتی نیز در قبال موضع گیری‌های آنان نخواهد داشت. موضع ما در راستای موضع اصولی اکثریت قرار داشته و دارد.

کارگران پیشو غرب تهران

سریعتر آن حرکت نمود. در این میان هیئت حاکم طی ۱۶ ماه پس از قیام عجز کامل خود را در حل این مشکلات و فقدان حداقل توان و برنامه درجهت برخورد با ریشه تمام این ناسامانی‌ها یعنی وجود طبقه سرمایه‌دار و زمینداران بزرگ را به وسیح نشان داده است و به این ترتیب بیشترین زمینه را برای سوءاستفاده نیروهای وابسته به امپریالیسم و بطور کلی دار و دسته بختیار - پالیزبان و اویسی بطور اخص فراهم آورده است.

جمهوری اسلامی با محدود کردن حقوق دمکراتیک اقشار و طبقات مختلف، با ایجاد جو شانتاز سیاسی علیه گروهها و سازمان‌های انقلابی با دامن زدن به توهم "خطر" کمونیسم و کمونیست‌ها در سطح توده‌های ناآگاه و ایجاد مزینی‌بین زحمتکشان ایران سال طعم این آرامش و امنیت را چشیده‌اند و آن را به خوبی می‌شناسند. این سرپرده‌گان امپریالیسم مدام در رادیوها و توسط عوامل خود حل مشکل گرانی، بیکاری، کمبود کالا و مساله مسکن را وعده می‌کنند. آنها در واقع همان "تمدن بزرگ" آریامهر جlad را، منتهی این بار با سوءاستفاده از نارضایتی رو به گسترش توده‌ها از اوضاع موجود، در تا بر امواج نارضایتی‌های توده‌ها که خواهان دگرگونی در مناسبات سرمایه‌داری هستند، سوار شوند و آن را یا اتکاء بر نارضایتی‌های فوق از مسیر اصولی منحرف نمایند و در خدمت اهداف ضد خلقی خود برای بازار گرداندن نظم و اوضاع سابق سازمان ما در تعقیب سیاست کشف و نابودی این باندهای وابسته به امپریالیسم که اکنون بهویژه در غرب می‌باشند. آغاز کرده همه این وطن فروشان، شاه خائن چگونه زندگی‌ای برای

ما باید بدون لحظه‌ای تردید تمام توان خود را برای سازماندهی سرکوب و مورد استفاده قرار دهنده است. آنها از این راه مصادره کامل اموال سرمایه داران و زمینداران بزرگ و قلخانی - و غارت و خرابه این راه را جذب خود کنند و با دامن زدن به فضای رعب و وحشت، شرایط را برای مایوس کردن زحمتکشان از ادامه مبارزه در جهت تهدید زحمتکشان منطقه - گوران، سنجابی، بیونیز، دشت کرن، ریجان، سالارجاف و ... از یک طرف سعی دارند با پخش پول و سلاح به میزان وسیع در میان روستائیان، با

گرانی - سنجابی، بیونیز، دشت کرن، ریجان، سالارجاف و ... از یک قلخانی - و غارت و خرابه این راه را جذب خود کنند و با دامن زدن به فضای رعب و وحشت، شرایط را برای مایوس کردن زحمتکشان از ادامه مبارزه در جهت مصادره کامل اموال سرمایه داران و زمینداران بزرگ و بازگشت اوضاع سابق فراهم آورند، و از طرف دیگر با استفاده از تبلیغات زادیوهایی که مستقیماً توسط امپریالیسم امریکا و رژیم ضد مردمی عراق در اختیارشان گذاشته شده است، خود را هوادار آزادی و ترقی و خواهان حل مشکلات زحمتکشان نشان می‌دهند. آنها فقدان آرامش و امنیت در منطقه را که خود مهمنترین علت آن هستند، باشد و در جهت حل هر چه

کارگران و دهقانان و سایر اقشار زحمتکش جامعه هم اکنون فشار گرانی و بیکاری نیروهای ضد امپریالیست تمام توان خود را در راه سرکوب این دسته‌های جنایتکار به کار گیرند. ما در برابر خطر

تنها تجلی دیگری از عملکرد تیروهای وابسته به امپریالیسم است که، اکنون به صورت توطئه‌های کودتا در ارتش و تجاوزات نظامی و قتل می‌باشند. می‌توان مطلع زمانی تبخیر لانه جاسوسی اقدامات ضدانقلایی آن بخش از نمایندگان طبقه سرمایه‌دار، یعنی احتجاج

جریانات لیبرال نظری حزب جمهوری خلق سلمان، دهقان، کارگر، دهقان، روابط و می‌گذارد. در مقطع زمانی پیشروی گام به گامشان به منظور تحکیم سلطه امپریالیسم و خوش آنها به سمت کسب قدرت و نابودی تماشی دستاوردهای مبارزات انقلابی مردم می‌نمایان از پرده بیرون افتاد و اینک به شکلی دیگر نیز یعنی در قالب باندهای مسلح بختیار و پالیزبان هم شاهد کوشش مذبوحانه ایادی امپریالیسم در جهت سرکوب حرکت انقلابی خلق‌های می‌نمایان هستیم.

باندهای مزدور وابسته به بختیار، پالیزبان، اویسی سالارجاف و ... از یک طرف سعی دارند با پخش پول و سلاح به میزان وسیع در میان روستائیان، با

تهدید زحمتکشان منطقه - گوران، سنجابی، بیونیز، دشت کرن، ریجان، سالارجاف و ... از یک قلخانی - و غارت و خرابه این راه را جذب خود کنند و با دامن زدن به فضای رعب و وحشت، شرایط را برای مایوس کردن زحمتکشان از ادامه مبارزه در جهت

بسیج مسلح توده‌ها صاحن پیروزی خلق‌های ماست

شورای کارخانه کفشه وین، تنها به انتکای
حمایت یکپارچه کارگران قادر است
اقدامات انقلابی اش را تداوم بخشد

کار و تلاش در فضای آلووه به کار
و سوم گوشه‌ای از چهره کربل
و ضد انسانی سرمایه داری

<p>در صفحه ۱۶ کارفما برای تحکیم پایه خود در کارخانه علیه</p> <p>شورا توطئه چینی می‌کنند</p> <p>در صفحه ۱۶</p>	<p>در صفحه ۱۶ حمایت از شورا</p> <p>دربابر</p> <p>شعار "شورا بی شورا"</p>
---	--

شورای کارخانه دیسمان (اصفهان) برای جلوگیری از تعطیل کارخانه

اداره آنرا بدست گرفت

کارگران دیسمبر پس از جلسه مجمع عمومی با درک لزوم تقویت و تحکیم شورای شان، اقدام به تشکیل صندوق حمایت از شورا کردند و با کمال رغبت و اشتیاق، آخرين ذخیره هاي الى خود را به صندوق شورا تحويل دادند و علیرغم آنکه نارفما و عواملش هیچ یک از تاریخ ۲۹ خرداد در کارخانه حاضر نشدند. شورا به اتکای حمایت یکپارچه کارگران با تهیه و وارد کردن مواد اولیه خود اقدام به راه اندازی مجدد کارخانه نمود.

شورا با به دست گرفتن
اداره تولید و بهره‌برداری
نهنها در طی این مدت
توانسته است بهره‌وری روزانه
از کارخانه را افزایش دهد
 بلکه از نظر مرغوبیت محصول
نیز توانسته است از
استانداردهای متعارف خود
کارخانه نیز پیشی بگیرد . و
این در حالی است که هیچ یک
از مسئولین و مقامات دولتی
علی رغم در خواست‌های مکرر
کارگران و شورا ، هیچ اقدامی
در جهت حمایت از شورا و راه
اندازی کارخانه نکرده‌اند ،
کارگران مبارز دیسمان باختشی
کردن توطئه‌های کارفرما در
خواباندن چرخ تولید و با اقدام
قطع خود در راه اندازی کارخانه
و افزایش بهره‌وری تولید نشان
دادند که اداره واحد‌های
تولیدی با مسئولیت شوراهای
کارگری نهنها موجب اختلال و
رکود در امر تولید نمی‌شود ، بلکه
شرط ضروری مبارزه با فشار و
محاصره اقتصادی امیریاالیسم
امریکا بوده‌گام موثری است در
جهت مبارزه بر علیه وابستگی
اقتصادی به امیریاالیسم .

شورای کارخانه دیسمبر آنکه باشد با طرح شفار ملی کردن کارخانه و مبارزه برای تحقق آن، اتحاد و تشکل صفوں کارگران را تحکیم نموده و سهم خویش را در گسترش مبارزات ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان ایران ادا نماید.

با تشکیل شورای واقعی در شرکت دیسمان (تولید خانه های پیش ساخته) ، اکارفرمای این شرکت به اقدامات ضد کارگری گوناگونی متولّ شد تا صفوّف متعدد و یکپارچه کارگران را از هم بپاشد . برای این منظور ابتدا مساعده کارگران را قطع کرد و سپس پرداخت بدھی های شرکت را متوقف نمود تا شورا را با مشکلات تولیدی و اداری موافق نموده و فلچ کند . و به دنبال آن با قطع ورود میله گرد آهنی و شن و ماسه (که از مواد اولیه ضروری کارخانه می باشد) عملکارخانه را به تعطیلی کشاند . کارگران دیسمان برای در در شکستن توطئه های ضد انقلابی و ضد شورائی کارفرما در تاریخ ۲۹ خرداد به دعوت شورا جهت تشکیل مجمع عمومی پاسخ داده و ضمن ابراز تنفس شدید از اقدامات توطئه گرانه کارفرما ، به افشاء اسناد و مدارک مربوط به خیانت های کارخانه و رئیس کارخانه (خزائی) پرداختند . کارگران پس از صحبت های نمایندگانشان ، ضمن اعلام خمایت قاطعانه خود از شورا در قطعنامه مجمع عمومی شبان ، بر موارد زیر تاکید کردند :

"۱- کارفرما موظف است مواد اولیه مورد نیاز کارخانه را در اسرع وقت تامین نموده و نسبت به راه اندازی آن اقدام نماید. بدیهی است که در غیر اینصورت شورا خود را موظف به انجام اقدامات لازم می داند.

- ۲- ما خواستار اجرای مواد اساسنامه شورای اسلامی منتخب خود مخصوصاً در مورد نظارت و کنترل بر امور اکارخانه از قبیل اخراج، استخدام، قراردادها و مبلغ صورت وضعیت دستیم.
- ۳- ما خواستار اخراج کلیه نمایندگان مزدورو کارفرما از اکارخانه و کارگاه هستیم.

کارگران تقریباً به دو گروه طرفدار معماري و مخالفین او تقسیم شده‌اند و در برابر یکدیگر موضع گیری می‌کنند و تعداد کارگرانی که از معماری حمایت می‌کنند، بیشتر است. در این میان بنیاد مستضعفین و کارگران نیمه‌آگاه و آگاه بر تشبیت مسئله مصادره و ملی‌شدن کارخانه تاکید دارند و به نحوی پیگیرانه مانع از بازگشت معماري به کارخانه هستند.

در تاریخ ۷ خرداد در منزل استاندار جلسه‌ای با حضور مسئولان استان تشکیل می‌شود. در این جلسه بین مسئول بنیاد استان از یکسو و استاندار و ملاحسنی و حاکم شرع (علیزاده) از سوی دیگر برخوردي پیش می‌آید که منجر به ضرب و شتم میرائي (مسئول

بنیاد) می‌گردد. بعد از این درگیری افراد سپاه پاسداران به کارخانه رفته و کارگران طرفدار معماری را از کارخانه خراج می‌کنند و متعاقب آن این جنبش از کارگران که مورد حمایت معماری، ملاحسنی و استانداری می‌باشد، به عنوان اعتراض به استانداری رفته و در آنجا تھصن می‌کنند. پس از دوزو ز مذاکره نیاد و استانداری به این نتیجه می‌رسند که کارگران به کارخانه بازگردند و پرونده معماری و کارخانه برای بار دوم به دادگاه ارجاع شود و تصمیم قطعی درباره ملی شدن کارخانه اتخاذ گردد. کارگران آجر ماشینی اکنون باید حول شعار تثبیت مصادره و ملی کردن کارخانه و تحقق دیگر خواستهای صنفی—سیاستیشان صفو خود را فشرده‌تر سازند و مجال نفاق افکنی بیشتر را به سرمایه‌داران و متحدان و دوستانش ندهند. موفقیت در اخراج قطعی سرمایه‌دار، گامی موثر جهت تضعیف پایگاه و نفو او در کارخانه بوده و انجام شورای غیر مسئول کنونی تشکیل شورای واقعی را دنبال دارد.

کارخانه کاملاً به چشم میخورد
عدم پرداخت سود ویژه
کارگران و کم توجهی به
خواستهای صنفی به
شارضایتی بیشتر دامن میزند
حال آنکه شورا تنها با
تطبیق پنگیرانه وظایفش بر
منافع توده کارگران و بر مبنای
اتکای به توده کارگران و
جلب حمایت فعالانه کارگران
(و نه هیچ نیروی دیگری)
 قادر خواهد بود مبارزات
صنفی - سیاسی اش را (از
مصادره و ملی کردن کارخانه
گرفته تا سودویژه و ...)
به پیش برد و در جهت
ارتقاء گاهی و شکل کارگران
کلام بردارد .

کارخانه آجر ماشینی :
مدتهاست که از مصادره و ملی شدن این کارخانه و اخراج معماری (صاحب کارخانه) می گذرد ولی هنوز کارگران موفق به تشکیل شورایی که اکثراً پاسدار دستاوردهای انقلابیشان باشد، نشده‌اند شواری فعلی کارخانه مشکل از کارگرانی است ناگاه که اکثراً از معماری کماکان حمایت می‌کنند. این شورا سعی می‌کند دوباره معماری را به کارخانه بازگرداند ولی کارگران مبارز و آگاه و همچنین بنیاد مستضعفین با این کار به شدت مخالفت می‌کنند. معماری از یک طرف بعده از قیام با توصل به قدراتی عوام‌فربیانه توانسته است نظر ثبت عده‌ای از کارگران را نسبت به خود جلب کند و از طرف دیگر طی این مدت با پرداخت مبالغی به عنوان خمس و ذکات توانست برخی از روحانیون (از جمله ملا جسنسی) را به حمایت از خود وادارد. پس از مصادره کارخانه‌اش موفق شد از طریق ملاحسنی نامه‌ای ز بنی صدر دریافت کند با بنین. مضمون که مصادره این کارخانه غیر قانونی بوده است. اکنون در کارخانه

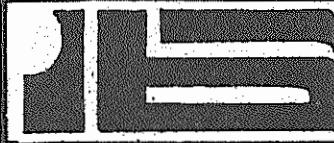
در کارخانه‌های ارومیه چه می‌گذرد

کارخانه قند ارومیه:

کارخانه بقدم همچنان تعطیل است و شورای کارخانه نیز (هر چند بصورتی غیر فعال) کماکان در راس حرکات کارگران قرار دارد. بعد از تعیین رئیس و هیئت مدیره کارخانه قرار بود در اواخر تیرماه کارخانه آغاز به کار کند ولی ظاهرا استانداری و مسئولین دولتی چندان تمایلی در به راه انداختن کارخانه ندارند و در مقابل تلاش کارگران و شورا برای به کار انداختن کارخانه برخورد مسئولانهای نداشته و با مسامحه و تعلن در برابر آن واکنش منفی نشان می دهند.

کارخانه آجر ماشینی:

مذهابت که از مصادره و ملی شدن این کارخانه و اخراج عماری (صاحب کارخانه) می گذرد ولی هنوز کارگران موفق به تشکیل شورایی که پاسدار دستاوردهای انقلابیشان باشد، نشده اند شواری فعلی کارخانه مشکل از کارگرانی است نا آگاه که اکثر از عماری کماکان حمایت می کنند. این شورا سعی می کند دوباره عماری را به کارخانه بازگرداند ولی کارگران مبارز و آگاه و همچنین بنیاد مستضعفین با این کار به شدت مخالفت می کنند. عماری از یک طرف بعده از قیام با توصل به اقداماتی عوام فریبانه توانسته است نظر مثبت عدهای از کارگران را نسبت به خود جلب کند و از طرف دیگر طی این مدت با پرداخت مبالغی به عنوان خمس و ذکات توانست برخی از روحانیون (از جمله ملاحسنی) را به حمایت از خود وادارد. پس از مصادره کارخانه اش موفق شد از طریق ملاحسنی نامه ای از بنی صدر دریافت کند با این مضمون که مصادره این کارخانه غیر قانونی بوده است. اکنون در کارخانه شورای کارخانه آنچنانکه باید مورد اعتماد و حمایت کارگران نیست زیرا بیش از آنکه به کارگران متکی باشد، به بنیاد مستضعفین متکی است. ولی دربرابر کارفرما و بهویژه در مورد مسئله ملی کردن کارخانه موضوعی مشبт دارد. این شورا به تبعیت از سیاستهای بنیاد مستضعفین خواهان ملی شدن کارخانه می باشد. از این رو در مقابل صاحب کارخانه (مجیدی) سخت ایستاده است. از طرفی مجیدی هم برای حفظ سرمایه اش سعی می کند نظر مشیت کارگران بی تفاوت و نا آگاه را به خود جلب نموده و به اتکای حمایت آنان جای پای محکمی در کارخانه به دست آورد و با تفرقه افکنی میان کارگران مبارز و آگاه و کارگران بی. - تفاوت و یا نا آگاه مانع اتحاد و تشکیل کارگران شده و مبارزه انقلابی کارگران و همچنین سیاست مترقی ملی کردن کارخانه ها را به شکست کشاند زمینه مساعدی که مجیدی در اینجا دارد، این است که شورای کارخانه تقریباً جدا از بوده کارگران حرکت می کند و من اعتمادی به شورا در



داشته‌اند. در حال حاضر شرکت نفت هر کیلو گاز مایع را به قیمت سه ریال به شرکت‌های پخش گاز بی‌فروشد. یعنی هر کیسول گاز که یازده کیلو مایع طرفیت دارد برای شرکت‌ها ۳۲ ریال به اضافه هزینه‌اندک پر کردن کیسول تمام می‌شود و این شرکت‌ها هر کیسول یازده کیلویی را به

قیمت ۱۸۰ ریال به مصرف کننده می‌فروشنند تفاوت قیمت خرید با قیمت فروش اجحاف و حشتناکی را که به مصرف‌کنندگان می‌شود نشان می‌دهد و طبیعی است تا زمانی که دست اینگونه شرکت‌های سرمایه‌داری برای چپاول مصرف‌کنندگان زحمتکش جامعه باز باشد نارسائی در پخش گاز امری دائمی خواهد بود تا این طریق سرمایه‌داران باز هم قیمت‌ها را افزایش دهند و

جیب مصرف‌کننده را خالی نمایند برای جلوگیری از هدر رفتن گاز مایع و برای پایان دادن به نارسائی‌های پخش گاز مایع و بالاخره پائین آوردن قیمت‌ها و جلوگیری از اجحاف به مصرف‌کنندگان، تنها یک راه وجود دارد که آن هم لوله‌کشی گاز به منازل است.

علل اصلی هدر رفتن گاز مایع در پالایشگاه تبریز به شرح زیر می‌باشد:

۱- بر طبق روابط حاکم بر شرکت نفت، تمرکز برنامه‌ریزی در تهران وجود بوروکراسی در سطح شرکت نفت، پالایشگاهها باید موجودی محصولات خودشان را به تهران گزارش کنند تا دستور نوع و مقدار بارگیری از تهران صادر شود، این امر منجر به فوت وقت برای انتقال محصولات نفتی مخصوصاً در شرایط اضطراری هفته می‌شود.

۲- عدم برنامه‌ریزی صحیح از طرف مسئولین برنامه‌ریزی در پالایشگاه: لازم است انتقال محصولات نفتی و در این مورد مشخص گاز مایع در صورت لزوم در روزهای تعطیل هنگامی که مخازن پر هستند روزانه ۴۵۰۰ تومان گاز قابل مصرف در اثر کمبود جا می‌سوزد و از بین می‌رود.

۳- قسمت بارگیری گاز مایع به صورت یک شیفت هشت ساعته کار اداره می‌شود. به این ترتیب

بقيه در صفحه ۱۴

گاز پالایشگاه تبریز

به هدر می‌رود

شرکت‌های پخش باید ملی شوند

نشعب اوله‌کشی گاز می‌دهند ولی مقامات مسئول در کشور ما هرگز بطور جدی به فکر لوله‌کشی گاز به خانه‌ها نبوده‌اند و اقداماتشان در حد طرح باقی مانده است و البته عاملین پخش گاز که از طریق فروش کیسول گاز درآمد سرشاری دارند در گذشته در عقیم گذاردن طرح‌های لوله‌کشی گاز سهم به سرانی

آن به منازل زنجیروار به هم مربوطند و اگر اشکالی در یکی از حلقة‌های آن به وجود آید باعث مختل شدن حرکت کل زنجیر خواهد شد. گاز مایع سالمترین و ارزانترین سوخت جهت استفاده در منازل می‌باشد و در دنیا انتقال یابد و برای تولید رسم بر این است که هرجا پالایشگاه وجود دارد و گاز مایع تولید می‌کند به خانه‌ها

پالایشگاه باید به قسمت پخش و از آنجا به شرکت‌های انتقال یابد، عملیات مذکور باید بطور مرتبت پشت سرهم انجام گیرد، بظوری که مقدار گاز تولید شده باید بلا فاصله انتقال یابد و برای تولید بعدی از نظر طرفیت مخازن اشکالی پیش نیاید. تمام عملیات از تولید تا انتقال

در روزهای آخر هفته بخصوص موقعی که چند روز تعطیلی پشت سر هم پیش می‌آید گازهای تولیدی پالایشگاه (بوتان و پروپان) در اثر کمبود جا و پر بودن مخازن مخصوص می‌سوزد و به هدر می‌زود. سوختن بی‌مورد این گازها در شرایطی انجام می‌گیرد که کمبود و گرانی گاز مایع مصرفی منازل بطور محسوسی در جامعه وجود دارد. این ثروت ملی که به کارگران و زحمتکشان می‌همنمان تعلق دارد و باید در خدمت رفاه آنان به کار گرفته شود در اثر نبودن برنامه‌ریزی صحیح و بی‌توجهی مسئولین به بهره‌برداری درست از تمام محصولات پالایشگاه بی‌جهت دود می‌شود. گاز مایع بعد از تولید در

کار و قلاش در فضای آزاد به گاز و سموم

گوشای از چهره کریه و ضد انسانی سرمایه‌داری

به استراحت بپردازند و تحت درمان قرار گیرند، شغل آنها را تغییرداده و از واحدهای صنعتی به کارهای خدماتی از قبیل نگهبان، آیدارچی، نامه‌رسان و ... بکار گرفته می‌شوند و بدین طریق استثمار تداوم می‌یابد این موارد گوشای از هزاران نمونه عمیقاً انکار - ناپذیری است که به وضوح و روشنی تمام ماهیت استثمار - گرانه و ضدبشری نظام سرمایه‌داری را نشان می‌دهد

نظامی که پایه و مبنای آن را استثمار و بهره‌کشی و حشیانه کارگران و زحمتکشان جامعه توسط سیستم سرمایه‌داری حاکم بر جامعه تشکیل داده است. فقر و گرسنگی، بیماری و ترس دائم از بیکاری، انواع خطرات مرگ آفرین می‌کند، بیاد می‌آورند آن کارگرانی را که در قسمت (پالایشگاه آبادان) کار نشستگی حقوقشان کاهش می‌کردند که این کارگران و کارمندان چون پس از باز - نشستگی حقوقشان کاهش می‌یابد و مزایای شرکت نفت از قبیل مسکن را از دست امی‌دهند، دق کرده و جان خود را از دست می‌دهند!

کارگرانی که در قسمت (پالایشگاه آبادان) کار می‌کنند، بیاد می‌آورند آن کارگرانی را که پس از بازنیستگی از همکارانشان می‌خواسته‌اند تا روزانه برای آنها مقداری گاز بیاورند کارگران بازنیسته با استنشاق این گاز که از طریق آزاده ساختن فضای اطاق دریسته آزاد نمی‌شود مگر آنکه شرایط زندگی خودش را نفی کند و شرایط زندگی خود چند تمی‌تواند نفی کند بی‌آنکه شرایط غیرانسانی جامعه امروزی را که در وضع وی "امراض حرفة‌ای" و "سمومیت" شغلی "دچار پرولتاریا بی‌بوده آموزشگاه شاق ولی فولادین کننده را نتیجه کارگرانی که در نتیجه این گازها و بیماری نشان می‌گردند، نفی کند. پرولتاریا بی‌بوده آموزشگاه شاق ولی فولادین کننده را طی نمی‌نماید."

این قبیل کارگران را از برای کارگران به وجود آورده داشتن لوازم ایمنی و ضروری مانند ماسک ضدگاز و برخورداری از امتیازات بازنشستگی به واسطه دور افتادن از محیط کار و جدا شدن از گازها و سمومی که طی سالها به آن معتاد شده‌اند، در بستر بیماری افتاده و به نحو اسفباری جان سپردیدن رژیم سابق علل این قبیل مرگ و میوه را چنین ارزیابی می‌کردند که این کارگران و کارشناسان پزشکی و اداری می‌گردند که این کارگران و سالیانه با مخارج شرکت، معاينه پزشکی و تغییر نوبتی محیط کار با ضوابط پزشکی محروم کرده است. به عنوان مثال روز دوشنبه ۲۵ فروردین ۵۹ یکی از کارگران پالایشگاه که جوانی خود را در شرایط طاقت‌فرسای محیط کار پشت سر نهاده بود، در سمت خودچه اصلی گوگرد مذاب کارخانهای اسیدسازی دچار سکته قلبی شد و علت سکته، کار در محیط گرم و مملو از گاز گوگرد تشخیص داده شد و بر اثر نبودن وسائل ایمنی لازم و دیر رسیدن به بیمارستان، قربانی مطامع و سودجوئی حاکم بر جامعه این گذار شدید است که در زیان آوری بر روی کارگران بر جای می‌گذارد. کارگران این آنچنان شدید است که در طی مدت کوتاهی اثرات بی‌پوست و دشگاه تنفسی تاثیرات این گازها بر روی این گذار شدید است که در زیان آوری بر روی کارگران بر جای می‌گذارد. کارگران این آنچنان شدید است که در طی مدت کوتاهی اثرات زیان باز این گازها بر چشم و دستگاه تنفسی و قلب، پوست، منجر به تولید نوعی اسید در معده می‌گردد که در طی مدت کوتاهی نوعی اعتیاد را پرای دستگاههای گوارشی فراهم می‌سازد که پس از بازنیستگی و یا تغییر محیط کار، پیامدهای مرگباری را

تحمیلی این شرکتها همواره قوانین ضدکارگری و شرایط

انقلاب کوبا:

تجارب و دستاوردها

* رهبران کوبا دریافتند که مصالحه عادلانه با امریکا غیر ممکن است و علیرغم تمایلی که در ابتدا با شرط شناسائی رسمی انقلاب کوبا از طرف امریکا به اینکار داشتند، سرانجام به غیر ممکن بودن آشتی امپریالیسم و انقلاب پی برندند.



تمام انقلاب و تحول شهکر اسلامی انقلابی به سوی اسلامی

هدف "جنیش ۲۶ زوئیه" که نیروی رهبری کننده انقلاب را تشکیل می‌داد قطع سلطه امپریالیسم از کوبا کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و دادن زمین به دهستان و تامین پیشرفت اجتماعی کوبا بود. رهبران "جنیش" انقلاب کوبا را انقلابی "منحصر به فرد" و "استثنایی" که در چارچوب هیچگدام از الگوهای شناخته شده تا آن زمان نمی‌گنجید می‌دانستند. کاسترو اعلام داشته بود که انقلاب ما نه "کاپیتانیستی" نه "کمونیستی" بلکه "هومنیستی" است. اما سیر تحولات انقلابی بعدی در کوبا و در عرصه جهانی رهبران انقلاب را مقاعد ساخت که تنها سوسیالیسم است که می‌تواند اهداف آنها را به بهترین نحو برآورده ساخته و پیروزی نهائی و پایدار انقلاب را تضمین نماید. عواملی را که زمینه پیروزی انقلاب کوبا و پا گذاشتن آن در راه سوسیالیسم و همچنین تحول دمکراتی انقلابی به سوسیالیسم را فراهم ساختند: می‌توان چنین جمع‌بندی نمود:

۱- دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم به مقیاس جهانی به مثابه شرط جهانی - تاریخی پیروزی نهائی انقلاب: پیروزی نهائی انقلاب در کوبا و گام گذاشتن آن در راه سوسیالیسم تنها بر پایه قبول دوران ما، به مثابه دوران انقلاب‌های پرولتاپریائی قابل درک است، چرا که اصولاً در دوران‌های قبل از انقلاب اکابر پیروزی پایدار انقلاب ضد امپریالیستی دمکراتیک و تکامل آن به سوی سوسیالیسم در کشوری مانند کوبا که اساس اقتصاد آن بر کشاورزی قرار داشته و پایه‌های مادی و فنی سوسیالیسم در آن کشور آماده نبود، غیر ممکن بود. تنها با پیروزی انقلاب اکابر و آغاز دورانی جدید در تکامل جامعه بشری بود که امکان گذار به سوسیالیسم برای چنین کشورهایی به وجود آمد.

۲- سیاست امپریالیسم: درک سیاست‌های امپریالیسم امریکا از جانب نیروهای انقلابی در کوبا: امپریالیسم امکان به مصالحه کشاندن انقلاب را فرعی می‌دانست و سیاست کلی براندازی آن را دنبال می‌کرد. امپریالیست‌ها در هنگام محکمه جنایتکاران رژیم باتیستا به دفاع از آنها پرداختند و اعلام کردند: "کاسترو در کوبا حمام خون به راه اندخته است". در ماه مه ۱۹۵۹ زمانی که دولت انقلاب در اجرای قانون اصلاحات ارضی و برای تحقق شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" به مصالحه زمین‌های زمینداران بزرگ دست زد، امپریالیست‌ها به تبلیغات خصمانه خود علیه انقلاب کوبا افزودند و بالاخره امریکا از همان روزهای اول انقلاب شروع به خرابکاری در داخل کوبا و سازماندهی حملات هوایی و فشار اقتصادی به کوبا پرداخت.

۳- سیاست امپریالیستی: مجموعه سیاست‌های امپریالیسم رهبران کوبا را مقاعده ساخت که مصالحه عادلانه با امریکا غیر ممکن است و علیرغم تمایلی که در ابتدا با شرط شناسائی رسمی انقلاب کوبا از طرف امریکا به اینکار داشتند، سرانجام به غیر ممکن بودن آشتی امپریالیسم و انقلاب پی برندند.

۴- سیاست امپریالیستی: کشورهای سوسیالیستی که تنها

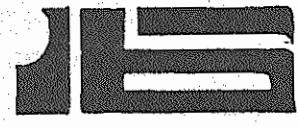
چهارم مرداد (۲۶ زوئیه) سالروز حمله عده‌ای از انقلابیون کوبا به رهبری رفیق فیدل کاسترو به پادگان مونکادا در ایالت سانتیاگو کوبا می‌باشد. این روز پس از پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ "روز انقلاب" نامگذاری شد و هر ساله مردم کوبا یاد این روز را با جشن و شادمانی گرامی می‌دارند.

حاصل بیشاز نیم قرن سلطه امپریالیست‌های امریکائی بر کوبا فقر شدید اکثریت مردم کوبا و غارت وحشیانه دارایی‌ها و دسترنج زحمتکشان کوبا بود. اقتصاد کوبا قبل از انقلاب اساساً متکی به کشاورزی لاتیفوندیایی بود و نیشکر تنها محصول آن بود. اکثر لاتیفوندیایها (کشتزارهای وسیع) به سرمایه‌داران امریکائی و اقلیتی از زمینداران کوبا تعلق داشت و در آنها غارت و استثمار کارگران و دهستان‌ها جریان داشت. شیوه تولید مسلط در کوبا قبل از انقلاب شیوه سرمایه‌داری بود و کارگران (کشاورزی و صنعتی) ۴۲٪ نیروی کار کوبا را تشکیل می‌دادند.

تضادهای طبقاتی جامعه کوبا به ویژه پس از استقرار دیکتاتوری باتیستا در سال ۱۹۵۲ حدت یافت. باتیستا با حمایت اسلجه و کارشناسان امریکائی به سرکوب ایندیشهای ترین حقوق مردم کوبا اقدام نمود، تمام سازمان‌های سیاسی، کارگری و دانشجویی تحت تعقیب و فشار قرار گرفتند.

در ۲۶ زوئیه ۱۹۵۳، ۱۷۰ تن از انقلابیون کوبا بربری، فیدل کاسترو، با قصد خلع سلاح پادگان و تسلیح توده‌های مردم و آغاز جنبشی توده‌ای علیه دیکتاتوری باتیستا به پادگان مونکارا حمله کردند. این حمله شکست خورد ولی به دنبال آن، مبارزات توده‌ای و بویژه طبقه کارگر که از ساقه‌های طولانی و تخریب‌های غلی برخوردار بود، روز به روز گسترده‌تر و عمیق‌تر شد. اعتصاب‌های عظیم کارگری و قیام‌های مسلحه توده‌ای در مناطق مختلف کشور جریان داشت تا این که در سال ۱۹۵۶، یک گروه انقلابی به رهبری کاسترو پس از تدارک در مکزیک، برای ادامه جنگ مسلحه در ایالت اورینیته پیاده شد. این گروه با جذب دهستان و کارگران کشاورزی به صوف خود به صورت "ارتیش سورشی" در آمد. در سال ۱۹۵۸ یک جبهه عملی و نه رسمی از سه سازمان عمدۀ کوبا یعنی جریان انقلابی دمکراتیک "جنیش ۲۶ زوئیه" (که دارای تعدادی انگشت‌شمار عناصر کمونیست بود)، "حزب سوسیالیست خلق کوبا" و "هیئت انقلابی ۱۳ مارس" تشکیل شد. رهبری جبهه را "جنیش ۲۶ زوئیه" به عهده داشت.

سرانجام پس از دو سال مبارزه مسلحه و مبارزات اعتصابی کارگران و دهستان و قیام‌های توده‌ای دولت باتیستا سقوط کرد و شخص وی از کشور فراری شد. پیروزی انقلاب کوبا در اول زانویه ۱۹۵۹ موجب ایجاد قدرت دوگانه در کشور شد: قدرت خلق در وجود "ارتیش سورشی" تجسم یافت که دور از پایخت قرار داشت و دولت بورژوازی موقت در پایخت. پس از ورود انقلابیون به پایخت به قدرت دوگانه خاتمه داده شد و قدرت در دست نیروهای انقلابی قرار گرفت.



بقیه‌اصلی صفحه ۸

۰۰۰ کوپا: نجاتی

جهانی در همه زمینه‌ها از نظامی تا فرهنگی یاری رسانده و بدین ترتیب دین خود را به انقلاب جهانی ادا می‌نماید.

مدارس انترفاسیونالیستی در کوبا

دولت سوسیالیستی کوبا، برای ارائه کمک به کشورهای نواستقلال در مبارزه‌شان بر علیه امپریالیسم و ارتقای جهانی از مدت‌ها قبل از اندیشه "مدارس انترفاسیونالیستی" در جزیره‌ای به نام "جزیره جوانی" نموده است. در این جزیره ۸۶ مدرسه جدید ساخته شده است. مجموعاً ۵۰۰۰ مساحتی آفریقائی در این مدارس تحصیل می‌کنند. محصلین اینوپیائی، نامیبیائی، آنگولائی و موزامبیکی بدستی ۲۰۰۰ مدرسه را اشغال می‌کنند. اکثریت قریب به اتفاق محصلین را فرزندان زحمتکشان این کشورها تشکیل می‌دهند که از طریق کنکور برای این منظور برگزیده شده‌اند. این کمک فرهنگی علاوه بر کمکی است که کوبا از طریق اعزام معلم و متخصص به این کشورها، به رایگان در اختیار آنها می‌گذارد. در این اواخر می‌محل کنگوئی نیز بر این محصلین افزوده شده است. در این مدارس فرهنگ ملی هر گروه از محصلین توسط معلمین از کشور خودشان تدریس می‌شود و استادان کوبائی آموزش علمی و عملی آنها را به عنوان دارند. این محصلین در بازگشت به میهن خود آموزش خود را در خدمت به رشد اقتصاد مستقل کشور و یا در امور دولتی و حربی به کار می‌گیرند. امپریالیست‌های امریکائی که در همبستگی خلق‌ها و آنگاهی آنها نابودی آتی خودرا می‌بینند برای بیاعتبار کردن اقدام انقلابی کوبا و فریب زحمتکشان خود امریکا، در مطبوعات‌شان مقالاتی می‌نویسد که تیتر بعضی از آنها چنین است:

"کودکان کنگوئی به زور به کوبا فرستاده می‌شوند" "شیوه مغزی کودکان آنگولائی در کوبا" و ... در آخرین مقاله از این سری آمده است که این افراد برای استفاده از نیروی کارازان آنها در کشتارهای نیشکر به کوبا اعزام می‌شوند. کوبا بدون توجه به هذیان‌گوئی‌های امپریالیست‌ها به وظایف انقلابی خود در خدمت به انقلاب جهانی ادامه می‌دهد.

کودتاها بی‌شمار توسط ارتش‌های وابسته در کشورهای امریکای لاتین بخشی از سیاست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکاست.

فلسطین

اعتراض غذای زندانیان سیاسی فلسطینی همچنان ادامه دارد. زندانیان سیاسی که به خاطر آعتراف به اعمال شکنجه توسط درخیمان اسرائیلی و شرایط ناسامان زندان دست به اعتراض غذا زده‌اند، در تداوم مبارزه خود هر سنگر زندان دو شهید به خلق‌های قهرمان عرب تقدیم کرده‌اند. خانواده‌های زندانیان سیاسی در این رابطه دست به تظاهرات وسیعی در مناطق اشغالی زده‌اند.

به گزارش رادیو مسکو (۳ مرداد ۵۹) یکی از روزنامه‌های چاپ ترکیه خبری را درج نموده است مبنی بر اینکه صادق قطبزاده وزیر خارجه جمهوری اسلامی در ادامه سیاست "نه شرقی، نه غربی" خود، در اثنای اقامت در نزد و سوئد با نمایندگان دولت امریکا دیدار و گفتگو کرده است. این روزنامه نوشته است که قطب زاده در این تماش درباره همکاری و تماش مجدد امریکا و ایران مذاکراتی کرده است.

در کوبا، پس از ملی کردن شرکت‌ها و کشتارهای بزرگ، در اواسط سال ۱۹۶۱، ۹۰ درصد محصولات صنعتی توسط شرکت‌های دولتی و ۴۱٪ محصولات کشاورزی توسط مزارع اشتراکی که دولت آنها را اداره می‌کرد، تولید می‌شد. پس از اجرای اصلاحات ارضی دوم در اکتبر ۱۹۶۳ و "تهران انتقالی" در سال ۱۹۶۸ که در طی آن کوچکترین بستگاه‌های کشاورزی نیز ملی شدند بخش سوسیالیستی در اقتصاد غالب شد و حرکت به سوی ادغام لاتیفوندیاهای سابق در مزارع عظیم دولتی آغاز شد. بخش خصوصی تنها در حوزه کشاورزان خردپا باقی ماند. سیاست دولت در مورد این کشاورزان عبارت از جذب داوطلبانه آنها به کشاورزی تعاونی می‌باشد. به دنبال برنامه‌ریزی اقتصادی، کشاورزی کوبا از حالت تک محصولی به در آمده و در راه تنوع تولیدات کشاورزی گام گذاشت. تولید فولاد که در سال ۱۹۵۹ به دنبال ورشکستگی تنها بستگاه‌های فلزکاری کوبا عملاً به صفر رسیده بود. اکنون به ۴۰۰۰ تن بالغ می‌شود. سهم صنایع مکانیک و الکترونیک بر صنعت تصفیه شکر پیشی‌گرفته و اساساً به تولید وسایل تولید و تصفیه شکر و وسایل خانگی می‌پردازند. هم چنین صنعت کود شیمیائی گسترش زیادی یافته و محصول آن از انقلاب تاکنون ۸ برابر شده است. تولید سیمان سالانه کوبا به ۵۰۰۰ تن می‌رسد. بیکاری که در دوره قبل از انقلاب ۷۰۰۰ نفر یعنی حدود یک چهارم نیروی اشغال کشور را در بر می‌گرفت سالهای است که از بین رفته است.

بیسادی که مبارزه با آن با بسیج دانشآموزان و دانشجویان و معلمین از همان آغاز انقلاب آغاز شده بود، مدت‌هاست ریشه کن شده است. در دوره قبل از انقلاب برای هر ۵۰۰۰ نفر از مردم کوبا تنها ۵ پزشک وجود داشت. این رقم در حال حاضر به ۱۸ پزشک رسیده است که از رقم مربوط به انگلستان (۱۲ فرانسه (۱۷/۵) و ژاپن (۱۶) بیشتر است. تعداد پزشک در ایران ۵ نفر برای هر ۱۰۰۰ نفر می‌باشد. عمر متوسط در کوبا ۷۱ سال است و بالاخره مردم کوبا کتاب خوان‌ترین مردم امریکای لاتین هستند. کوبا سوسیالیستی بعد از تثبیت موقعیت خود در عرصه جهانی، ضمن احترام به استقلال برحق حاکمیت خلق‌ها همواره به مبارزات خلق‌ها از آنجلمه خلق‌های ویتنام، کامبوج، لائوس و الجزایر، آنگولا و موزامبیک و گینه بیسائو علیه امپریالیسم و ارتقای

آنها نیز در موضع طبقه کارگر قرار گرفتند. فیدل کاسترو در ۱۶ آوریل ۱۹۶۱ (یک روز قبل از حمله آمریکا به خلیج خوکها) در حالی که از حمله قریب الوقوع آمریکا خبر می‌داد خصلت سوسیالیستی انقلاب کوبا را اعلام نمود و سپس در اول ماه مه همان سال نیان داشت که کوبا در عرصه جهانی در صفوکشورهای سوسیالیستی است و نظرات لئین درباره انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاپریا را پذیرفته و مارکسیسم - لینینیسم را ایدئولوژی خود می‌داند.

ارنستو چه گوارا، یکی دیگر از رهبران انقلاب کوبا درباره تحولات انقلاب کوبا چنین می‌گوید:

"ورود ما به مسیری که نهایتاً به گمونیسم ختم می‌شود نتیجه منطقی یک تکامل ایدئولوژیکی که هف معینی را دنبال گرده باشد، نیست. واقعیت سوسیالیستی و به میزان حتی بیشتر از آن واقعیت خشن امپریالیستی، راهی را که ما بعد آمد، آینه آنگاهانه پذیرفته برمی‌گردیم برای مردم ما هموار ساخت و این راه را به آنها نشان داد."

بررسی تجربه کوبا، همراه با تجربیات سایر انقلابات رهایی بخش ملی نشان می‌دهد که:

اولاً در دوران ما، هر انقلاب رهایی بخش ملی اگر بخواهد به پیروزی پایدار و نهایی دست یابد باید با روند عمومی انقلاب جهان شمول آن داشته باشد، پیش روی به سوسیالیسم گاملاً همسو شود و این بدان معنی است که با یادسمن‌گیری سوسیالیستی داشته باشد و لازمه چنین سمت‌گیری تامین رهبری طبقه‌کارگر آن کشور در انقلاب است.

ثانیاً اصول عام مارکسیسم - لینینیسم و تئوری لنینی انقلاب دمکراتیک و فرا رؤییدن آن به انقلاب سوسیالیستی جهان شمول آن و هیچ "راه سوم" یا "استثنای" که این اصول عام را نمی‌کند، وجود ندارد.

درهم شکستن دستگاه دولتی کهنه و شرکت توده‌ها در امور دولتی و عمومی:

دولت انقلابی کوبا بعد از به دست گرفتن قدرت، ارتش از هم پاشه‌ده باشیستا را که در ضمن جنگ مسلحه دو ساله در هم ریخته بود منحل نمود و ارتش نوین که ستون فقرات آن را "ارتش انقلابی" تشکیل می‌داد ایجاد کرد. همچنین در دستگاه اداری انقلابی می‌داد ایجاد کرد. همچنین در سازمان سیاسی عده در کوبا در سال ۱۹۶۰ رسماً متعدد شده و "سازمان متعدد انقلابی" را تشکیل دادند که در سال ۱۹۶۲-۳ به

"حزب متعدد انقلاب سوسیالیستی کوبا" تحوال یافت و بالآخره در سال ۱۹۶۵ به حزب کمونیست کوبا تغییر نام داد. این حزب در حال حاضر متاجوز از ۱۹۵۰۰۰ عضو دارد، به دنبال انقلاب ارگان‌های توده‌ای متعددی به وجود آمده که شرکت توده‌ها را در امور دولتی و عمومی تامین می‌کند: "سازمان جوانان کمونیست کوبا (کمسومول)" که بر پایه "انجم شورشیان جوان" در سال ۱۹۶۲ به وجود آمد، دارای بیش از ۱۳۰۰۰ عضو است.

"مرکز اتحادیه‌های کارگران کوبا" (که اتحادیه‌های کارگری بخش‌های مختلف را متعدد می‌کند) دارای بیش از ۲ میلیون عضو باشد. "کمیته‌های دفاع از انقلاب" ارگان‌های توده‌ای هستند که در سال ۱۹۶۵ برای دفاع از انقلاب به وجود آمده‌اند و بیش از ۴/۲ میلیون نفر (کوبا

حدود ۱۵ میلیون نفر جمعیت دارد) را که همه آموزش نظامی دیده‌اند در خود مشکل می‌کند و بنابراین کوبا قدرت بسیج و دفاعی عظیمی دارد. فدراسیون زنان کوبا در سال ۱۹۷۲، ۱/۶ میلیون عضو داشت.

انجمن ملی کشاورزان خردپا (که از سازمان‌های کمک متقابل متعددی تشکیل شده، دهقانان مالک قطعات کوچک زمین را متعدد می‌کند و بالآخره "کمیته کوبائی نهضت دفاع از صلح و حاکمیت خلق‌ها" یکی دیگر از سازمان‌های توده‌ای کوبا است.

خبر جهانی

بولیوی

مقاومت دلیرانه مردم بولیوی در مقابله کودتاگران همچنان ادامه دارد. پس از روی کار آمدن زنگال لونئیس گارسیامزا، اعتراض عمومی و تظاهرات اکثر شهرهای بولیوی را فراگرفته است. کارگران معدن و حمل و نقل از روز بعد از کودتا به تظاهرات و اعتراضات وسیعی دست زده‌اند. نظامیان برای اینکه بتوانند چند روزی بیشتر به حکومت تنگین خود ادامه دهند، نواحی محل زندگی کارگران معدن را بمباران کرده و تاکنون تعداد زیادی از کارگران را دستگیر کرده‌اند. لیکن کارگران قهرمان در همبستگی و اتحاد با دهقانان همچنان به مبارزه خود ادامه می‌دهند. تاکنون هیچ کشوری در دنیا دولت جدید بولیوی را به رسمیت نشناخته است. لازم به تذکر است که کودتای ای خبر صد و هشتاد و ششین کودتا بولیوی می‌باشد.

که موضع سازمان که بیشترین ضریب را به ضد انقلاب و محافل وابسته به امپریالیسم وارد ساخته است، امید نویسنده یا نویسنده گران را ناامید ساخته. آنها چاره‌ای جز این تدبیده‌اند که مذبوحانه و با وارد ساختن اتهامات بی‌شمارانه مشی سیاسی سازمان را مخدوش سازند. ما به دلایل زیر نویسنده یا نویسنده گران روزنامه اطلاعات را از جاسوسان سه جهانی و یا سایر محافل وابسته به امپریالیسم و مبلغین سیاست امپریالیسم جهانی در ایران می‌دانیم.

آنها از مبارزه سازمان علیه لیبرال‌ها به ویژه علیه باند بازرگان و شرکاء که مورد حمایت امپریالیسم بوده و هستند و امروز اکثریت مردم ایران از این واقعیت آگاه هستند، سخت تاریخ‌های دشمنانه تلاش دارند این بی‌شمارانه عناصر را انقلابی و دوستان مردم جا بزنند و سیاست سازمان را که افشا و طرد این عناصر و محافل وابسته است، سیاستی مغایر مصالح انقلاب جلوه دهند. به

جملات زیر توجه کنید: "رهبری چریکهای فدائی بنا به ارزیابی مجددش بر این عقیده شد که خیر دولت بازرگان دولتی ملی

سافسور، جعل، تحریف حقایق علیه نیروهای انقلابی،

سیاست اکثر مطبوعات حکومتی است

کمونیستی، کاهش اعتبار انقلابیون کمونیست، ایجاد جو پاس و بدینه میان مردم و هموار ساختن زمینه بقدرت رسیدن محافل سرسپرده به امپریالیسم امریکاست.

روزنامه اطلاعات و روزنامه محافل مشکوک روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۱ تیرماه با تیترهای بزرگ در نخست روزنامه چنین نوشت: "موافقت چریکهای فدائی خلق و کشورهای بزرگ برای کودتا جلب شده بود" و این در حالی بود که بسیاری از مردم آگاه ایران بخوبی می‌دانستند که سازمان ما و سایر نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست در کشف و افسای توطئه کودتا نشان داشته و امروز با تمام توان خود در این راه تلاش می‌کنند.

ما علیه این اتهام بی‌شمارانه روزنامه اطلاعات اعلام جرم کردیم و نسخه‌ای از آن را برای روزنامه اطلاعات و روزنامه جمهوری

در ماههای گذشته روزنامه‌های رسمی دولتی و رادیو هر روز اتهام بی‌شمارانه جدیدی به نیروهای انقلابی وارد ساخته‌اند.

اینگ روزنامه‌ها به شیوه رژیم سابق نیروهای انقلابی را همدست قاچاقچیان، همدست نیروهای وابسته به خارج از مرزهای ایران، خرابکار و غیره جلوه می‌دهند و بازهم به شیوه سابق حتی وحشت دارند که یک جمله از پاسخ نیروهای انقلابی را به چاپ رسانند.

و ضد امپریالیست نیست، بلکه دولت سرمایه‌داری لیبرال و ضد مردمی است".

نویسنده نتیجه می‌گیرد که این موضعگیری سازمان خشم مردم را تراویگیت و "آنگاه یکی از شعارهای مردم تبدیل به مرگ بر فدائی گردید. رهبری چریکها که خود را در برابر موج سهمگین زحمتکشان می‌دید...

این آقا یا آقايان نویسنده مقاله خوب می‌دانند که موضعگیری ما علیه محافل لیبرال نه خشم مردم بلکه خشم محافل وابسته به امپریالیسم و جاسوسان سه - جهانی را برانگیخت و بقیه در صفحه ۱۱

بدین و نویید سازند و زمینه قدرت گرفتن سرسپرده‌گان امپریالیسم و شکست استراتئیک انقلاب را فراهم سازند. روزنامه اطلاعات و روزنامه جمهوری اسلامی و آزادگان در روزهای اخیر نمونه بارزی از سانسور، تهمت پراکنی و دروغپردازی علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به نمایش گذاشته‌اند. این روزنامه‌ها که در چارچوب سیاست دشمنی با نیروهای انقلابی و پخش‌گزارشات و اخبار اسلامی، بهان و اطلاعات) با عدم برج پاسخ مطبوعات پاسخ ما را به چاپ رسانند. آین روزنامه‌ها (جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، بهان و اطلاعات) ورکستگی سیاسی - ایدئولوژیک و اخلاقی خود را به اثبات رسانده‌اند.

امروز دیگر کار این روزنامه‌ها به جایی رسیده که هر چه را محافل مشکوک و در اشاعه اتهامات بی‌شمارانه و گزارشات عوام‌گیریانه به رکوردهای جدیدی دست یافته‌اند.

روش این روزنامه‌ها را باید در چارچوب همان سیاستی بررسی کرد که تلاش دارد با پخش شایعات گوناگون علیه نیروهای انقلابی به ویژه اینگ روزنامه کمونیست، با تلاش در وابسته جلوه دادن کمونیستها به نیروهای خارج از مرز، از حیثیت و اخبار روز افزوون کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی بکاهد.

روش این روزنامه‌ها را باید در چارچوب همان سیاستی بررسی کرد که تلاش دارد با پخش شایعات گوناگون علیه نیروهای انقلابی به ویژه اینگ روزنامه کارگریند. این رویه مطبوعات و رادیو تلویزیون نه تنها مردم را از دست یابی به حقایق و اخبار می‌رسانند، از چند ماه پیش دیگر حتی حاضر نیستند

مطابق قانون مطبوعات می‌سازد، نه تنها میان توده‌های مردم تخم نفاق و دشمنی و یاس و بدینه می‌پراکند، بلکه عمل رزینه را برای جلب بسیاری از مردم به رادیوها و مطبوعات امپریالیستی هموار ساخته است، چنانکه امروز بخش‌های وسیعی از

مردمی که از رادیو - تلویزیون و مطبوعات دولتی بیزار شده‌اند، به رادیوهای زده‌اند، سازمان ما را آماج حملات همه دشمنان کمونیسم و جبهه نیروهای انقلابی را آماج تهاجمات خصمانه نیروهای انحرار طلب و عناصر سه‌جهانی ساخته است. هدف از این تبلیغات همانکونه که بارها تاکید کردند این خود بزرگترین

شده‌اند و این خود بزرگترین فرست را برای امپریالیسم جهانی و متحдан داخلی آن فراهم کرده است تا تبلیغات ضد انقلابی خود را به پیش برند و میلیون‌ها هموطن ما را به ادامه انقلاب کشاندن عناصر پر شور جنبش

اینک روزنامه‌ها به شیوه رژیم سابق نیروهای انقلابی را همدست قاچاقچیان همدست نیروهای وابسته به

بقيه‌مازصفحه ۱

شاه را بگور ۰۰۰

تعیین سرنوشت خود به دست خود اثبات می‌کند.

شاه مرد آما مبارزه مردم ما برای رهایی از سلطه امپریالیسم به فرجام نهائی نرسیده و همچنان ادامه دارد.

محمد رضا شاه ۳۷ سال برای تامین منافع امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران و زمینداران و تجار بزرگی که متحد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و شریک غارت‌های آن هستند، مردم ما را غارت کرد.

غارت و چپاول، فقر و بی‌خانمانی، گرسنگی و ورشکستگی، زندان و شکنجه و اعدام تنها کلماتی هستند که در کارنامه ۳۷ ساله حکومت محمد رضا شاه می‌توان سراغ گرفت.

شاه مرد و مبارزه برای استقلال، کار، مسکن و آزادی با کام‌های استوار هر روز به پیش‌رانده می‌شود.

ناگفته پیداست که امپریالیسم امریکا و همه کسانی که خواهان تحکیم سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، در میهن ما هستند. همه آن کسانی که علیه مبارزات مردم ما، قادره بسته‌اند و شب و روز آشکار و نهان به توطئه‌چینی مشغولند کوشش خواهند کرد که از این فرصت در جهت هدف‌های پلید خود بهره‌برداری کنند.

شاه مرد و اکنون دوستان آمریکا کوشش خواهند کرد، با استفاده از این فرصت، مسئله گروگان‌ها را فیصله دهند و در راه تحکیم روابط ایران با امریکا کام‌هایی به جلو بردارند.

سازمان ما اطمینان دارد که همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست با سازمانگری سیاسی و اقدامات آگاهگرانه خود نخواهند گذاشت دشمنان مردم نیرنگ تازه‌ای ساز کنند. اطمینان داریم مردم که سرنگونی بساط شاهنشاهی محمد رضا شاه را تا به گور سپردن او پیش بردند، انقلاب را به پیروزی خواهند رساند.

شاه را به گور سپردم، امپریالیسم امریکا را نیز به گور خواهیم سپرد.

سازمان به سود خود بهره‌برداری کنند، شیوه‌ای غیر کمونیستی می‌دانیم که بزرگترین ضربات را به جنبش کمونیستی وارد می‌سازد و تبلیغات و شایعات را جانشین مبارزه ایدئولوژیک می‌کند.

تبلیغات و اتهامات ناجوانمردانه عليه انقلابیون کمونیست و عليه سازمان مجاهدین خلق ایران که امروز از طریق رسانه‌های گروهی (روزنامه‌های رسمی و غیر رسمی دولتی و رادیو-تلوزیون) باشد و حدت تمام ادامه دارد، هر چند خواست حزب جمهوری اسلامی و سایر محافظ انصحصار طلب حاکم است، اما این تبلیغات را عمدتاً محافظ وابسته به امپریالیسم جهانی و جاسوسان سه‌جهانی سازماندهی، زندان و شکنجه می‌کنند و از این طریق بیشترین صدمات را به انقلاب و بزرگترین خدمات در راه اهداف و منافع امپریالیسم امریکا و متهدان است. این تبلیغات، از طریق شبکه‌های وسیع جاسوسی امریکا و بازماندگان رژیم سلطنتی که هم اکنون دویاره سازماندهی شده‌اند در چهار گوش ایران دامن می‌زنند، با توجه به این تبلیغات و شایعات بی‌شماره کینه‌توانه از خلق ایران را به کینه‌توانه علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که سور شکنجه کنند. این تبلیغات از این جنبش کمونیستی ایران است، از مردم آگاه و مبارز ایران، از همه نیروهای انقلابی و از هواداران سازمان می‌خواهیم در راه خنثی ساختن تبلیغات زهرآگین دشمنان جنبش کمونیستی و دشمنان مردم همه تلاش خود را به کار گیرند، چهره روزنامه‌ها و همه محافظ و عناصر دروغپرداز و عوام‌فریب را با ذکر شواهد و دلایل کافی برای مردم توضیح دهند و اجازه ندهند سانسور و تحریف حقایق و تبلیغات و شایعات عوام‌فربانه مردم را بفریبد و آنان را به یاس، بدینی از نیروهای انقلابی، نفاق و چند دستگی و انفعال که خواست امپریالیسم امریکا و نوکران داشتند. بنا بر این بگشانند. در شرایط حساس کنونی، این وظیفه خطیر بیش از همه بر دوش عناصر آگاه، فعل و پیشور جنبش کمونیستی ایران است.

امپریالیسم و عوامل وابسته به آن تمام می‌شود، خشمگین و برآشته‌اند، آنها به ویژه موضع‌گیری مقاله ۵۹ که بر پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی، حمایت از استقرار صلح در کردستان پاشاری دارد، به خشمی پاشاری دارد، هر چار شده‌اند و جنون‌آمیز دچار شده‌اند و برای دفاع از نظرات خود و محکوم ساختن مواضع سازمان مذبحانه از این حملات منشعبین که گفته‌اند مواضع اکثریت "نه تنها مرد ناید ما نبوده بلکه مرد پشتیبانی هیچ یک از اعضای صدیق و انتقامی سازمان نمی‌توانست قرار گیرد" کمک گرفته‌اند.

۴- نویسنده مقاله روزنامه اطلاعات با مخاسبه روحیات و موضع روشنگران جنبش انتیار آنان بگذارد.

نویسنده بخصوص از آن نظر اراده چنین شایعه‌ای را می‌خواهد که درباره این سفر اطلاعات خود را در اختیار آنان بگذارد.

نویسنده این مقاله روزنامه اطلاعات با مخاسبه روحیات و موضع روشنگران جنبش انتیار آنان بگذارد.

ما همانگونه که باره‌ها اعلام داشته‌ایم دوستی و همبستگی متقابل میان احزاب ایلان و نیروهای ترقیخواه و ضد ایلان برخیزند.

ما همانگونه که باره‌ها اعلام داشته‌ایم دوستی و همبستگی متقابل میان احزاب ایلان و نیروهای ترقیخواه و ضد ایلان برخیزند.

امپریالیست جهان، نیروهایی که در مبارزه خلق ما برای استقلال و رهایی می‌خواهند که این نظر ایلان را بسیار بزرگ و دشوار را در دوش آن گذاشته است.

لازم به تذکر است "حزب توده" باز هم به مردم خود کوشید، است در پاسخ به تحلیل این مقاله به تبلیغ برای خود پردازد و خود را به نوعی در سیاست‌های سازمان ما می‌خواهد که این همه صرفاً برای اینکه نشان دهیم که عوامل رسوای وابسته به امپریالیسم تا چه حد در تحلیل‌ها و ارزیابی‌های خود به مدت ما به قدرت نویسنده شوروی می‌دانند. نویسنده این مقاله می‌افزایند:

"حالاً" ابر قدرت نویسنده روسیه "شیز می‌خواهد که میهن ما را زیر سلطه خود کشد و مردم ما را استثمار کرده متابع طبیعی ما را به غارت برد و ایران را بعنوان پایگاه سفری آشکار یا مخفی به اتحاد شوروی داشته‌اند. بنابراین ما خبرها و اطلاعات سراسر بی‌پایه و مغرضانه جاسوسان سه‌جهانی را قویاً تکذیب می‌کنیم.

۳- نویسنده یا نویسنده مقاله بیش از هر چیز از تلاش ساکمان برای استقرار صلح در کردستان که به زیان

بقيه‌مازصفحه ۱۰

ساقسor، جعل، تحریف ۰۰۰

همانها بودند که در برابر اوضاع انقلابی سازمان ما، بی‌شمامه امپریالیست خود ببرداخته و شعار "مرگ بر فدائی" را تبلیغ می‌کردند.

۲- امپریالیسم امریکا همواره تنها خلق کبیرمان متنکی بوده و خواهد بود تابع سیاست‌های کشورهای سوسیالیستی قلمداد کند.

نویسنده یا نویسنده مقاله ما نبوده بلکه مورد پشتیبانی هیچ یک از اعضای صدیق و اطلاعات سراپا دروغ و بی‌اساس خود از سفر مخفی یکی از اعضای سازمان به "روسیه"

صحت می‌کنند و از منشعبین سازمان می‌خواهند که درباره این سفر اطلاعات خود را در اختیار آنان بگذارند.

نویسنده بخصوص از آن نظر ایلان چنین شایعه‌ای را رواج دهد که می‌خواهد انشعب سازمان و سیاست‌های سازمان را در ارتباط با نیروهای خارج از مرزهای ایران بررسی کند. جلوه ما همانگونه که باره‌ها اعلام داشته‌ایم دوستی و همبستگی متقابل میان احزاب باشند.

اعلام داشته‌ایم دوستی و همبستگی متقابل میان احزاب ایلان و نیروهای ترقیخواه و ضد ایلان برخیزند.

کیهان، جمهوری اسلامی و آزادگان نیز نویسنده ایلان در تمام مقاله‌ها همین هدف را دنبال کرده‌اند و به این فرعی جلوه دهنده دهنده تا به این ترتیب از فشار توده‌های به پا خاسته علیه امپریالیسم جهانی بکاهند.

در مقاله‌های اطلاعات، کیهان، جمهوری اسلامی و آزادگان نیز نویسنده ایلان در ایلان برخیزند.

اما با این همه صرفاً برای اینکه نشان دهیم که عوامل رسوای وابسته به امپریالیسم تا چه حد در تحلیل‌ها و ارزیابی‌های خود به مدت ما به قدرت نویسنده شوروی می‌دانند. نویسنده ایلان می‌افزایند:

"حالاً" ابر قدرت نویسنده روسیه "شیز می‌خواهد که میهن ما را زیر سلطه خود کشد و مردم ما را استثمار کرده متابع طبیعی ما را به غارت برد و ایران را بعنوان پایگاه سفری آشکار یا مخفی به اتحاد شوروی داشته‌اند. بنابراین ما خبرها و اطلاعات سراسر بی‌پایه و مغرضانه جاسوسان سه‌جهانی را قویاً تکذیب می‌کنیم.

۴- نویسنده یا نویسنده مقاله بیش از هر چیز از تلاش ساکمان برای استقرار صلح در کردستان که به زیان

گیسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاستی نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسیار کمی امپریالیسم امریکا

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید

تقی شهرام، اجازه نداد دادگاه از محاکمه او علیه نیروهای انقلابی بهره برداری کند

دادگاهی که تقی شهرام را محاکمه کرد، کوشید از همان ابتدا عمل شهرام و دیگر همکرانش را وسیله‌ای برای محکوم ساختن جریانات انقلابی که در سال‌های خفغان و دیکتاتوری، دلاورانه علیه شاه خائن می‌جنگیدند، تبدیل ساخته و از آن شیوه‌ای که گویا مورد قبول و روش عام همه انقلابیون راستین بویژه کمونیست‌ها است، بسازد.

یک سال پس از دستگیری دوران سیاه دیکتاتوری شاه مورد بررسی و قضایت قرار گیرد. دادگاهی که تقی شهرام را محاکمه کرد، کوشید از همان ابتدا عمل شهرام و دیگر همکرانش را به وسیله‌ای برای محکوم ساختن جریانات انقلابی که در سال‌های خفغان و دیکتاتوری دلاورانه علیه رژیم شاه خائن می‌جنگیدند، تبدیل ساخته و از آن شیوه‌ای که گویا مورد قبول و روش عام همه انقلابیون راستین بسازد. دادگاهی که با این هدف تشکیل شده بود، به هیچ روی نمی‌توانست یک دادگاه انقلابی باشد و بدینهی است که صلاحیت چنین محاکمه‌ای را نداشت. تصمیم از قبل گرفته شده دادگاه برای شهرام شرایطی را که وی بتواند آزادانه از خود دفاع کند، فراهم نیاورد. از جمله وکیل مدافع انتخابی تقی شهرام را نپذیرفتند. در تنها جلسه‌ای که شهرام در دادگاه حضور پیدا کرد، اجازه نیافت که ریشه‌های واقعی پیش‌بینی در صفحه ۱۹

بقیه از صفحه ۱

موج اعدام فرزندان انقلابی خلق

خش و نقرت مردم را از جنایات وحشیانه ۰۰

مطلق العنان پنداشتماند و از بازداشت و اعدام‌های جنایتکارانه انقلابیون، هشدار بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی با صدور این احکام به راهی قدم می‌نهد که پایان آن را سرنوشت دهها رژیم مشابه در اقصی نقاط جهان از قبل پیش‌بینی کرده است. کسانی که دست به این جنایات می‌زنند بدانند که

جوخه اعدام سپردهند. در بین این شهدا کسانی چون "عزیزیان" دبیر انقلابی سیرجان هستند که تنها به دلیل دفاع از معتقدات سیاسی و ایدئولوژیک فدائیان خلق و به خاطر آن که آثار و اعلامیه‌های سازمان‌شان را به همراه داشتند محکوم به مرگ شدند. دستگیری و اعدام جنایتکارانه انقلابیون

در برابر این سیاست دور و کینه‌توزانهای که برخی از حکام شرع پیش گرفته‌اند و در برابر سیاستی که می‌بینیم آشکارا می‌کوشد موج ترور و اختناق را گسترش دهد، ما به ویژه به نظر می‌رسد که حکام شرع شهر گند، رشت کرمان و اهواز و ... طرح‌های تحریک آمیزی را برای به آشوب کشانیدن این مردم زحمتکش ایران و جهان برساند. سکوت در برابر این جنایات هرگز مانع تکرار آنها نخواهد شد. باید توده‌ها را از این اعمال آگاه ساخت و اعتراضات آنان را شود و در عمل زیان آن بیش از همه متوجه نیروهای متفرقی گردد. تمام تلاش آنان بخاطر باید هشیارانه آگاه بود که آن است که مبارزات مسالمت‌آمیز هر نوع تشنج و درگیری، توده‌ها را چنانکه بارها شاهد هر نوع زد و خورد و هر بوده‌ایم به خون کشند، جوی

پشتیبانی کرده‌اند. لیکن در عین حال مردم اولاً به درستی عملکرد تمام دادگاهها را یکسان نمی‌دانند. ثانیاً همواره کمال نفرت و از خوار خود را از صدور احکام اعدام برای انقلابیون اعلام کرده‌اند. حکومت جمهوری اسلامی از سرنوشت دیگر رژیم‌هایی که به این جنایات دستست می‌زنند، درس نگرفته است. حکومت جمهوری اسلامی ایران بداند با هر قدر خونی که از پیکر رفقای ما بر زمین می‌ریزند تخم بادی می‌کارد که از آن فقط توفان درو خواهد کرد.

جنه‌های اعدام بنا نهند. سرنوشت نکتبار آزموده‌ای را می‌آزمایند. ما پنهان نمی‌کنیم که دادگاه‌های انقلاب از آغاز تا امروز نقش بسیار موثری در متلاشی کردن سیستم ضد خلقی رژیم آریامهری داشته است. مردم ما صدور احکام اعدام هویداها، نصیریها و دیگر جنایتکاران رژیم سابق را فراموش نکرده‌اند. مردم همواره از ادامه سرکوب و مجازات تمام جنایتکاران وابسته به رژیم شاه و دیگر توطنده‌گران که همگی مزدوران محافل امپریالیستی هستند

نه تنها با این اقدامات هرگز موفق نخواهند شد آب رفته را به جوی بازگردانند بلکه روز به روز در دل مردم زحمتکش که از گرانی و بیکاری به تنگ آمده‌اند تخم کینه و نفرت عمیق‌تری نسبت به این اعمال وحشیانه خواهند پاشید. جوخه‌های تیرباران فدائیان خلق در دل خلق نیرو و اعتماد و محبت نسبت به فدائیان خلق می‌کارد و این چیزی است که کوردلان تاریخ از درک آن غافل مانده‌اند. یقین بدانیم که آنان با آلودن دست خود به خون فدائیان خلق می‌خواهند جمهوری اسلامی ایران را بر شادمان خواهد کرد.

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید

سپرورد اندیشه ای باعث شده است که بورژوازی از این مبارزات سود جوید و از آن به عنوان سکوی پوشش خود به قدر استفاده نماید.

"حزب خلق پاکستان" که یک حزب بورژوازی (با گرایشات لیبرالی) است و تحت رهبری بوتو قرار داشت در اوائل دهه قرن حاضر با شرکت در انتخابات قدرت را به دست گرفت. این حزب که خود را طرفدار حکوم غیر نظامی ها می دانست سرانجام در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) به وسیله گودتای ضیاء الحق (که نماینده بورژوازی وابسته به زمین است و راست ترین جناح طبقه حاکم پاکستان می باشد) از قدرت ساقط شد و از آن پس نیز هرگونه آزادی های بورژوازی در پاکستان سرکوب شد. روزنامه ها تحت سانسور شدید قرار گرفتند، مخالفین رژیم زیر شکنجه و اعدام به قتل رسیدند و حتی بخش هایی از "اعتصاب ملی پاکستان" حزب راستگرایی که خود نظامیان را به گودتا تشویق کرده بود نیز از قدرت کار زده شدند. حکوم نظامی پاکستان تاکنون چند بار قول انتخابات به مردم داده است ولی هر بار آن را معلق ساخته است. از صد حزبی که در سال جاری تقاضای شرکت در انتخابات آین کشور را کرده بودند تنها ۱۶ حزب اجازه شرکت در انتخابات یافتد که با تعلیق انتخابات آنها هم به کنار زده شدند.

جنبش چپ در پاکستان در اوائل دهه جاری رشد شتابانی به خود گرفت اما در سال های اخیر ضربات شدیدی به وسیله دولت سرسپرده ضیاء الحق به آن وارد گردید. هم اکنون چندین سازمان و حزب انقلابی چپ در پاکستان فعالیت زیز می نمی دارند که متأسفانه اطلاعات ما در مورد آنها بسیار محدود می باشد.

حکومت هر تجمع پاکستان محکوم به فابودی است

دولت ضیاء الحق هم اکنون خود را به عنوان ناجی مردم افغانستان جا می زند. اما چه کسی است که نداند این رژیم مجری طرح های امپریالیستی علیه مردم انقلابی افغانستان و دولت مترقبی این کشور می باشد. امپریالیسم امریکا که پایگاه های خود را در ایران و افغانستان از دست داده است، اکنون بیش از هر زمان دیگری توطئه چینی خود علیه خلق های منطقه را گسترش بخشیده است و رژیم های ارتقای چون عربستان، عراق و پاکستان، مجریان این طرح های امپریالیستی هستند. سلح کردن خوائین افغانستان علیه دولت مترقبی این کشور، مانورهای نظامی امریکا در خلیج فارس و افغانستان هند، توطئه های امپریالیسم علیه مبارزات خلق های ایران، همه و همه حلقوهای زنجیر توطنده امپریالیستی هستند. اما مبارزات خلق های منطقه و اتحاد روزافروزن آنها در مبارزه علیه امپریالیسم سرانجام رژیم ضیاء الحق همان سرنوشت رژیم شاه، داود دخان و سایر مرتجلین است. این را مبارزات خلق های ایران و افغانستان به اثبات رسانیدند وظیفه نیروهای مترقبی و ضد امپریالیست ایران حمایت بی قید و شرط از مبارزات خلق های پاکستان علیه رژیم ضیاء الحق و امپریالیسم امریکاست. افسای همه جایه رژیم ضیاء الحق تنها در این راستا معنی می دهد. خلق های منطقه در اتحاد با هم گور امپریالیسم را هر چه عمیق تر می کنند. پیروزی از آن خلق های دلاور منطقه است.

توضیح:
مقاله "بررسی انتقادی قانون کار پیشنهادی دومین و سومین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران (در اصفهان و مشهد)" (قسمت دوم) و نیز مقاله "از تجربه مبارزات زحمتکشان میهنمنان درس بگیریم" بهدلیل تراکم مطالب و کمبود جا در شماره آینده درج خواهد شد.

رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق دشمن خلق های پاکستان و منطقه و نوکر سرسپرده امپریالیسم امریکا (قسمت دوم)

پیرو خط امام "ماهیت واقعی اور نزد توده های مردم روش ترا ساخت. در این دوران او تمام کوشش خود را برای جلوگیری از افشاری دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا به کاربست. او برای منزوی کردن "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" نا آنجا که می توانست تلاش کرد.

سیاست قطب زاده در پست وزارت امور خارجه دل جهت نزدیکی به امپریالیسم امریکا و دوستی با دولتها ارتقای و ضدمردمی منطقه است. قطب زاده برای احیای پیمانهای امپریالیستی در منطقه به منتظر سرکوب مبارزات خلق های منطقه تمام مساعی خود را بکار می بندد.

او گروه های افغانی وابسته به امپریالیسم امریکا را سازمان داد و از تمامی امکانات جمهوری اسلامی ایران برای تقویت آنان بود جست. قطب زاده بر پایه دشمنی با کشورهای سوسیالیستی دوستی جمهوری اسلامی ایران را با دولتها دست نشانده امپریالیسم در منطقه تحکیم می بخشد و بیشترین شادمانی را برای امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا فراهم می اورد.

قطب زاده از هرچهert مستحق آن است که به جرم خیانتهاش به آرمان مردم ما محکمه شود.

شناخت چهره قطب زاده تجربه دیگری است برای مردم ما که عناصر و مخالف سیاسی را نه بر اساس ادعاهای و گفتارشان بلکه بر اساس کردار آنها و قبل از هرچیز در میدان عمل بیار مایند. تجربه قطب زاده که برای انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما بسیار گردن تمام شده است، امروز باید به توده ها شناسانده شود و در خدمت تعمیق انقلاب قرار گیرد.

زندگی بسیاری از زحمتکشان این کشور را آواره کشورهای منطقه و حتی نقاط دورتر جهان کرده است تا بلکه لفته نانی گیر بیاورند. عدم بروخوداری از بهداشت سن توسط در این کشورها در حد پایه ای قرار داده است و نه مجموع باید گفت استثمار و غارت امپریالیستی مردم ایران ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۰ بین ۱/۵ میلیارد دلار اسلحه از امریکا خریداری کرده است و در سال ۱۹۷۱ علیرغم محدودیت های ظاهری دولت امریکا فقط ۳۸/۸ میلیون دلار اسلحه را بطور نقدی به دولت پاکستان فروخته است. ارتش پاکستان کلا با اسلحه های امریکائی تجهیز شده و سران آن هم در امریکا تعلیم یافتند. طرف یک طال اول که پاکستان رسما به سلک متحده این امریکا پیوست مخارج نظامی آن ۴۴/۵ درصد اضافه گردید.

دولت ارتقای چهارمین پاکستان از همان اولين سال های موجودیت به پیمانهای نظامی امپریالیستی چون "سیتو" و پیمان بغداد (ستو) پیوست و در سه جنگ با هندوستان در گیر شد. کمک های نظامی امریکا فقط به فروش اسلحه و آموش افسران ارتش محدود نمی شود امریکا هم اکنون از پایگاه های دریائی این کشور استفاده می کند و در سفر اخیر بر زینسکی مشاور امنیتی، کارتر قول کمک های نظامی ۴۰۰ میلیون دلاری به این کشور را داده است.

البته ضیاء الحق هنوز بیشتر از اینها احتیاج دارد. مک های نظامی امریکا هم مسلما به همین جا محدود نمی شود. فئودالها و دست پروردگان امپریالیسم د افغانستان به کمک دولت ضیاء الحق مسلح شده اند و این مسلمان طریق "کمک های امنیتی" امریکا می باشد. آمار حاکی از آن است که پاکستان سالانه حداقل بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار اسلحه از امریکا دریافت می دارد و بین این مقدار باید کمک های نظامی دولت مرتد چین را به پاکستان که تاکنون بالغ بر ۴ میلیارد دلار می شود اضافه نمود.

زندگی زحمتکشان پاکستان بسیار رقت آور است. در حالی که میلیون ها دلار خرج مخارج نظامی می شود بیش از ۳۵٪ نیروی کار مردم این کشور از بیکاری رنج می برند. تورم در این کشور به شکل سراسر آوری رشد می کند: بطوری که کارشناسان اقتصادی آن را تا مرز ۳ درصد تخمین زده اند. وضع بد و تحمل ناپذیر

قطب زاده کیست؟

قطب زاده یکی از عوامل فریب ترین چهره های است که با قیام مردم ما در مصدر امور قرار گرفت. این عضو شورای انقلاب، در نخستین روزهای تصدی در تلویزیون رسما به سانسور اخبار و گزارشات پرداخت و تلویزیون را به دستگاه تبلیغاتی علیه انقلابیون و به ویژه کمونیستها و کشورهای سوسیالیستی قیدیل کرد.

قطب زاده دشمنی با انقلابیون، گسترش نقار ملی و تشویق "چمقداری" و ... را تبلیغ می کرد و می کوشید از امکاناتی که در اختیار دارد، در تطهیر چهره کثیف امپریالیسم امریکا بیشترین استفاده داشته باشد. او همواره می کوشد امپریالیسم امریکا این دشمن اصلی و بزرگترین دشمن خلق های شادمانی را از زیر ضرب مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران برهاشد. وی زیر پوشش اسلام می کوشد دشمنی با امپریالیسم را به دشمنی با انقلابیون کمینیست مبدل سازد.

قطب زاده در تبلیغات خود علیه کمونیستها

droogهای بی شرمانه ای می سازد. او یکبار در یکی از مصاحبه هایش که از رادیو پخش شد، چنین گفت:

"در گند کمونیستها لباس روحانیون و پوشاکه و

به حمام زنانه رفته و شکم یک زن حامله را دریده و

بچه او را کشته اند. !"

در جریان مبارزه بر سر تحويل حاسوسان امریکا،

حملات و ناسراهای قطب زاده به "دانشجویان مسلمان

پاکستان بازار فروش اسلحه امریکائی:

اطلاعاتی که در مورد خرید اسلحه دولت پاکستان از امریکاست اکثرا طبیه بندی شده هستند، اما ارقام موجود حاکی از آن است که این کشور بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۰ بین ۱/۵ میلیارد دلار اسلحه از امریکا خریداری کرده است و در سال ۱۹۷۱ علیرغم محدودیت های ظاهری دولت امریکا فقط ۳۸/۸ میلیون دلار اسلحه را بطور نقدی به دولت پاکستان فروخته است. ارتش پاکستان کلا با اسلحه های امریکائی تجهیز شده و سران آن هم در امریکا تعلیم یافتند. طرف یک طال اول که پاکستان رسما به سلک متحده این امریکا پیوست مخارج نظامی آن ۴۴/۵ درصد اضافه گردید.

دولت ارتقای چهارمین پاکستان از همان اولين سال های موجودیت به پیمانهای نظامی امپریالیستی چون "سیتو" و پیمان بغداد (ستو) پیوست و در سه جنگ با هندوستان در گیر شد. کمک های نظامی امریکا فقط به فروش اسلحه و آموش افسران ارتش محدود نمی شود امریکا هم اکنون از پایگاه های دریائی این کشور استفاده می کند و در سفر اخیر بر زینسکی مشاور امنیتی، کارتر قول کمک های نظامی ۴۰۰ میلیون دلاری به این کشور را داده است.

البته ضیاء الحق هنوز بیشتر از اینها احتیاج دارد. مک های نظامی امریکا هم مسلما به همین جا محدود نمی شود. فئودالها و دست پروردگان امپریالیسم د افغانستان به کمک دولت ضیاء الحق مسلح شده اند و این مسلمان طریق "کمک های امنیتی" امریکا می باشد. آمار حاکی از آن است که پاکستان سالانه حداقل بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار اسلحه از امریکا دریافت می دارد و بین این مقدار باید کمک های نظامی دولت مرتد چین را به پاکستان که تاکنون بالغ بر ۴ میلیارد دلار می شود اضافه نمود.

زندگی زحمتکشان پاکستان بسیار رقت آور است.

در حالی که میلیون ها دلار خرج مخارج نظامی می شود

بیش از ۳۵٪ نیروی کار مردم این کشور از بیکاری رنج می برند. تورم در این کشور به شکل سراسر آوری رشد می کند: بطوری که کارشناسان اقتصادی آن را تا مرز ۳ درصد تخمین زده اند. وضع بد و تحمل ناپذیر

حمام، رختشویخانه، درمانگاه در محلات پر جمعیت از اقدامات ضروری و مبرمی است که باید برای کاهش تراکم جمعیت در خانه‌های کوچک و محقر زحمتکشان انجام گیرد. برای این منظور باید از زمین‌های موات مصادره شده توسط دولت استفاده کرده و با کم خود مردم و شوراهای محلی این وظایف را پیش برد. در ضمن در این محلات و در این زمینها دولت باید با ساختن خانه‌های جدید خانواده‌های را که در بدترین شرایط مسکونی به سر می‌برند، به تدریج در این خانه‌ها سکونت دهد.

۴- همه خانه‌های اختکار شده و خالی باید مصادره و در تملک دولت قرار گیرد. خانه‌های اختکار شده تنها به خانه‌های خالی که برای کسب سود نباشد و یا خانه‌های سرمایه‌داران فراری منحصر نمی‌شود بلکه همه خانه‌های اضافی و بیش از نیاز افراد و یا خانه‌های که سرمایه‌داران برای عیاشی خود ذخیره کرده‌اند، جزو اخانه‌های اختکار شده محسوب می‌شوند. حتی دولت خانه‌های چند دهه‌زار متوجه سرمایه‌داران را باید به اماکن عام تبدیل کند.

برنامه فوق تنهایی تواند بحران مسکن را بطور موقت کاهش دهد و در طولانی مدت لازم است که برنامه ریزی‌های کلی و چندساله اقتصادی طرح و اجرا شود. در این برنامه تولید مصالح ساختمانی و تولید مسکن با هم ۷ماهه شده و همراه با حل سایر معضلات اجتماعی و اقتصادی پیش خواهد رفت. به اعتقاد ما حل کامل و بنیادی مسکن جدا از شعار "استقلال، کار، مسکن، آزادی" نیست و این بدان معناست که نیل به این هدف بدون تحولات اجتماعی و ایاسی غیر ممکن خواهد بود.

برای قطع دست واسطه‌ها و پائین آوردن قیمت گاز هر چه زودتر باید کلیه شرکت‌های پخش گاز ملی بشود و پخش گاز توسط خود شرکت نفت در شعبه‌های پخش گاز ملی ایران صورت بگیرد. فراموش نشود که شرکت‌های پخش گاز در سال‌های گذشته بیشترین تلاش را برای جلوگیری از لوله‌کشی به منازل به کار برده‌اند تا بیشتر و با خیال راحت‌تر به غارت و چپاول مصرف کنندگان ادامه بدهند.

در مورد مسکن این برنامه انقلابی از دو قسمت تشکیل می‌شود که باید همزمان طرح و اجرا شوند:

قسمت اول آن برنامه‌ای است که بطور موقت و کوتاه مدت برای کاهش بحران مسکن قابل اجراست و شامل

حال با افزایش هزینه‌های اداری به "قیمت روز" خواهیم دید که ترقی بهای خانه و اجاره بها همچنان وجود خواهد داشت و با چرخش سند مالکیت هرخانه از دستی به دست دیگر قیمت آن به سرعت بالا خواهد

از اجاره‌های سالیانه آن برای واگذاری بین ۴ الی ۷ درصد بهای خانه خواهد بود. تنها کاربرden همین دو کلمه "قیمت روز" صحیح گذاردن بر تورم و گرانی خانه و پیروی دولت از این تورم است و این مسلم است که با

این طرح هر چند بظاهر دست واسطه‌ها را در معاملات ملکی کوتاه می‌کند ولی دست واسطه‌ای بزرگ‌تر را وارد عمل می‌کند، واسطه‌ای چون دستگاه عریض و طویل اداری دولتی.

آنطور که از ظاهر و محتوای این طرح بر می‌آید، نشان می‌دهد که دولت نه قصد دارد و نه از عهده‌اش بر می‌آید که مشکل مسکن زحمتکشان را حل کند.

مسئولین امر در این لایحه تنها کاری که نکرده‌اند و به تنها سئله‌ای که اشاره نکرده‌اند، همین مشکل مسکن زحمتکشان است. این قانون نیز به سرنوشت همان قوانیتی دچار می‌شود که تصویب شده اما راه به جایی نبرده‌اند و یا سرنوشت همان قانون شغ خرید و فروش زمینها، موات شهری را پیدا می‌کند، از شمره آن قیمت زمین در بورس بازی‌های مالیکن بازهم بیشتر و بیشتر شد یعنی اگر زمین مستقیماً به فروش نرسید ولی با هزار جور دوز و کلک بورس بازان دست به دست گردید.

طرح جدید نیز از جمله طرح‌هایی است که به احتمال زیاد پس از مدتی مثل همه طرح‌های دیگر روی دست مسئولان امر خواهد ماند و کمترین مشکلی را حل خواهد کرد.

مطابق این طرح که هدف عمده آن تضمین خرید و در نظر گرفتن تاریخ پرداخت تا تاریخ انجام معامله" و در ماده ۱۹ برای خرید خانه‌های که ساخته می‌شود سودی بین یک الی چهار درصد بیش از سود سپرده‌های بانکی در نظر می‌گیرد.

"قیمت روز" خریداری شده و

سیاست‌های دولت و مشکل مسکن

مواد زیر است:

۱- باید کلیه امور ساختمان و واگذاری مسکن در اختیار ادولت: قرار گیرد. دولت باید خود مالک مسکن باشد و به تدریج مالکیت دولتی در زمینه مسکن را انتقویت و مالکیت خصوصی بر مسکن را محدود کند. تنها از این طریق است که دست واسطه‌ها کوتاه خواهد شد و اعمال اسوداگرانه از بین خواهد رفت. در عین حال ما اعتقاد داریم که امر دولتی کردن معاملات مسکن به نفع زحمتکشان فقط و فقط با مشارکت جامعه ضروریات و مشکلات ساختمان خلاصه آنکه ارائه راه حل‌های از این قبیل یعنی فرار آشکار از ارائه راه حل‌های قاطع و اصولی خواهد بود به اعتقاد ما هر طریقی که به پاسخ ندهد و در این مورد مشخص هر طریقی که مشکل مسکن زحمتکشان را پایه و مبنای کار خود قرار ندهد، جز طریقی بر کاغذ خواهد شد. رفت.

۲- باید زمینهای موات شهری ملی شده و از تملک و اختیار مالکین قبلی خارج شود بدون آنکه به مالکین کوچکی که در گذشته قطعه زمینی برای خود تهیه دیده‌اند خسارت مالی وارد شود....

۳- ساختن اماکن عمومی از قبیل مدرسه، پارک،

افزایش گرانی و گسترش تورم "قیمت روز" خانه‌های ساخته شده و خانه‌های ساخته شد، افزایش خواهد یافت.

از سوی دیگر ماده ۱۸ آئین‌نامه این طرح می‌گوید: "حداکثر بهای فروش واحدهای مسکونی که طبق مقررات خریداری و سپس فروخته می‌شود، برابر خواهد بود با بهای خریداری شده به اضافه کلیه هزینه‌های متعاقبه از جمله (تعمیرات ساختمان عوارض پرداختی،

هزینه‌های ثبت و تنظیم سند، مالیات مختلف، هزینه‌های اداری و مخارج نگهداری) به اضافه تا ۴ درصد بعنوان کارمزد در سال نسبت به مبالغ پرداختی توسط دفتر و با در نظر گرفتن تاریخ پرداخت تا تاریخ انجام معامله".

و در ماده ۱۹ برای خرید خانه‌های که ساخته می‌شود سودی بین یک الی چهار درصد بیش از سود سپرده‌های بانکی در نظر می‌گیرد.

بقيه‌اژصفحه ۷

گاز پالایش ۰۰۰

دستگاه‌های اندازه‌گیری که هم در پالایشگاه و هم در قسمت پخش باعث اختلال در امر انتقال گاز و استفاده کامل از ظرفیت مخازن می‌باشد. که هر چه زودتر باید تعمیر و با اطمینان مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به موارد بالا، ما نفتگران پیشرو تبریز خود می‌دانیم که حقایق

زحمتکشان مربوط به مسائل نفت را به بگذارند تا همه زحمتکشان با آگاهی هر چه بیشتر قدم‌های بلندی در جهت قطع وابستگی به امپرالیسم و عمق بخشیدن به مبارزات ضد امپرالیستی - دمکراتیک بردارند.

نفتگران پیشرو تبریز ۱۶ خرداد ۱۳۵۹

* در حال حاضر بعنوان اولین گام تا موقعی که لوله‌کشی گاز علی شده،

آگاهی هم می‌هایان زحمتکش برسانیم و از تمامی کارگران (با در نظر گرفتن منافع آتی طبقه کارگر) و زحمتکشان می‌خواهیم با احساس مسئولیت در جهت بهبود سطح زندگی زحمتکشان حرکت‌کنند و پیگیرانه در بی کشف علل اینگونه اشکالات و رفع آنها برآیند و مردم زحمتکش و کارگران می‌هایان را در جریان حیف و می‌باشد. که هر چه زودتر باید تعمیر و با اطمینان می‌شود. برای بهره‌برداری صحیح از گاز مایع بارگیری باید روقه ادامه یابد و ساعه‌اشد. خراب بودن

بازگرداندن اوضاع سابق و سرکوب مبارزات انقلابی هردم که نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته و زمینداری بزرگ خواست اساسی آن است، در پیش گرفته‌اند.

شرط پیروزی بر این دسیسه‌ها، مصادره همه کارخانجات، زمین‌ها و اموال سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، سپردن اداره امور آنها به دست شوراهای واقعی کارگران و دهقانان است. باید تولید و توزیع را به دست خود مردم به دست شوراهای آنها سپرد و تمام نیازمندی‌های آنان از قبیل ماشین‌آلات، کمک مالی و ... را تامین نمود. آنگاه دیگر نارضایتی‌ای وجود نخواهد داشت که عوامل امپریالیستی خواهند از آن به نفع خود سوء استفاده کنند.

سومایه داران وزمینداران بزرگ گرهان به نارضایتی در میان کشاورزان و رزان دامن می‌زنند

سابق بپردازند. طبقه سرمایه‌دار و زمینداران بزرگ که حاجی "ط Roxani" تنها یکی از آنهاست، از یک سو حاصل کار کشاورزان را با کارشناسی و خرابکاری عمده به سمت نابودی می‌برند و از سوی دیگر فریاد برمی‌دارند که: "اگر رژیم سابق بود، اگر بختیار بود و ... این اشکالات وجود نمی‌داشت". این است آن توطئه‌ای که اکنون سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ برای شایعه‌پردازی به منفعت رژیم

وجین زمین‌ها با اشکالاتی روپردازی شده است. قابل تذکر است که اگر کشاورزان نتوانند زمین‌های خود را وظیف کارخانه موصول کنمی وارد خواهد شد. در ضمن هنگامی که منطقه شدیداً مورد تهاجم آفت بود کارخانه نه تنها برای دفع آن کوچکترین کمکی به کشاورزان نکرد بلکه به دستور حاجی "ط Roxani" عده‌ای به روستا رفتند تا با سوءاستفاده از آین وضعیت در میان مردم به زندگانی خودداری نموده و در نتیجه

روستاهای اطراف "بردسر" و "سیرجان" هستند. قراردادی بسته است که برآسای آن کارخانه موضع است هر ساله در سه نوبت به پیمانکاران مساعد (وام کشاورزی به عنوان پیش قسط) پرداخت کند تا آنها بتوانند با آن پول، کود، آب، بذر و وسائل و جین مورد نیاز را تامین کنند. ولی تاکنون کارخانه به دستور حاجی "ط Roxani" از دادن وام به کشاورزان خودداری نموده و در نتیجه آخرين اقدام حاجي "ط Roxani" در این زمينه کارشناسی در امر کشت و برداشت چندان نمود است. کارخانه قند "بردسر" با پیمانکاران چندان نموده و خوده مالکین از دهقانان و خردۀ مالکین

بقيه از صفحه ۵

باندهای جنایتکار ۰۰۰

این راه هر زمان که پاسداران علیه نیروهای ضد انقلابی وارد جنگ شوند باید که دوشادش آنان با قاطعیت و فدایکاری نمونه وار جنگید. ما معتقدیم که باید از طریق از میان برداشتن مناسبات سرمایه‌داری، از طریق ملی کردن تمام ثروت سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، از طریق سپرده اداره تمام کارخانجات، مزارع، بانکها، ادارات به دست شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، کارمندان و پرسنل انقلابی ارتش زمینه را برای حل بنیادی مشکل بیکاری، گرانی، مسکن، کمبود کالا و ... فراهم آورد. بر چنین زمینه‌ای سرپردازگان امپریالیسم نظری بختیار، پالیزبان، اویسی و سالارجاف دیگر مجالی برای تبلیغ نظریات ارتجاعی ضد مردمی خود نخواهد یافت. باید این واقعیت را به توده‌ها گفت و در راستای تحقق آن زحمتکشان را در لحظه کنونی در جهت سرکوب نظامی هر چه سی رحمنه‌تر باندهای وابسته بسیج و متشكل نمود. سیستان ما دقیقاً در هیئت حاکمه هشدار می‌دهد

زحمتکشان روستاهای "قسم" و "بندرلنگه"

از فرط فقر و گرسنگی

به شیخ نشین‌های خلیج فارس پناه می‌برند

یکی از مهمترین مسائل ایجاد ظلم و ستم زاندارمی نمونه‌هایی از این شیوه مبارزه در دوران از نظر امکانات رفاهی تامین نموده و برای هر یک شغلی در نظر گرفته است. پس از قیام نیز ما شاهد چنین است که زحمتکشان منطقه خانه و کاشانه خود را ترک می‌گویند تا در سرزمین‌های دیگری لقمای نان به دست آورند.

کیمی ایجاد شود. در مقابل چنین وضعیتی برای نمونه شیخ "ام القوین" مهاجرین از جمله اخیراً شانزده خانوار از زحمتکشان روستای "گوری" واقع در ۱۱۴ کیلومتری مرکز جزیره قشم، پس از فروش داروندار خود در رابطه با همین موضوع می‌گفت:

"من به فرمانداری گزارش داده‌ام که مردم می‌رونده و آنها به من گفته‌اند که باید سقی کنی چلوی رفتن آنها را بگیری اما چه می‌شود کرد. اینجا هیچ چیز نیست. مردم تا کی طاقت می‌آورند؟ بخصوص که علاوه بر گرانی، اجناس هم به سختی پیدا می‌شود. ممکن است همین خارجی اخیراً بر اثر کنترل ناوچه‌ها و پاسداران قطع شده است. بدون آنکه کار و می‌زندند. منبع در آمد زحمتکشان منطقه یعنی ورود اجناس خارجی اخیراً بر اثر کنترل ناوچه‌ها و پاسداران قطع شده است. بدون آنکه کار و می‌زندند. منبع در آمد دیگری برای "هنگام" یه "راس الخیمه" و یا تهدید اهلی جزیره "لارک" در مورد تخلیه

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

شورای کارخانه کفشه وین

تنها به اتكای حمایت پکیارچه کارگران قادر است اقدامات انقلابی اش را تداوم بخشد

آنچه که در این اقدامات مترقبانه و مشتبث شورا قابل انتقاد است، این است که شورا این اقدامات را بدون آنکه توده کارگران را در جریان اجرای آن قرار دهد انجام داده است و این یکی از نقاط ضعف اساسی شورای کنونی است. شورا باید این را به خوبی درک کند که تنها با حمایت فعالانه و پکیارچه کارگران است که می‌تواند با توطئه‌های ضد کارگری و ضد شورای سرمایه‌داران و عوامل آنها مقابله کرده و آن را به نحوی انقلابی و موثر خنثی نماید.

تنها شرکت و دخالت مستقیم و آگاهانه کارگران در مبارزات اقتصادی و سیاسی‌شان است که پیگیری و قاطعیت انقلابی در پیشبرد این مبارزات و تحقق پیروزمندانه آن را تضمین می‌کند.

بقيه‌اوزصفحه ۱۵

زحمتکشان روستاهای ۰۰۰

یا بیش از چند خانوار در آنها زندگی نمی‌کنند. به راستی چرا زحمتکشان این مناطق به قاچاق اجناس روی آوردند که حال با قطع آن ناچار به مهاجرت به کشورهای دیگر می‌شوند؟ آیا اگر کشاورزی در منطقه احیا شود و کشاورزان مورد حمایت دولت قرار گیرند، اگر با بیکاری در منطقه مبارزه شود اگر امکانات ماهیگیری در اختیار صیادان قرار گیرد، اگر صنعت صید مروارید که جرفه سنتی. مردم این ناحیه است، دوباره زندگ شود، آیا بازهم مردم به قاچاق اجناس. روی می‌آورند؟ آیا بازهم جلوگیری از ورود این اجناس باعث خواهد شد که هر روز دهها تن از همین میهنان ما از فرط فقر و گرسنگی به شیخنشین‌های خلیج پناه ببرند؟ ما به تمام سوالات فوق پاسخ منفی می‌دهیم، زیرا می‌دانیم که هیچ انسان زحمتکشی خواستار ترک وطن و آوارگی نیست.

شورای کارخانه کفشه وین در نیمه اول تیرماه با هشیاری پیگیرانه‌اش موفق شد مقداری از اموال کارخانه (دستگاه و قطعات) را که توسط کارفرمای سابق کارخانه (حاج مصطفی) در یکی از باغهایش پنهان شده بود، کشف نموده و به نفع کارخانه ضبط نماید. بدین ترتیب اقدام ضد انقلابی و ضد کارگری کارفرمای که در جهت به زانو درآوردن شورا از طریق اختلال در امر تولید صورت گرفته بود با اقدام افقی ایجاد شورا از هر طرف بر کارگران و نمایندگان شورا، حرکتی خنثی گردید. شورا طی دو هفته اخیر دست به یک اقدام مشبت و موثر دیگر زد و آن پاکسازی انقلابی ۱۱ تن از عناصر سازشکار بود که بارها و بارها خوشخدمتی‌شان در جهت تامین منافع کارفرمای آشکار شده بود.

نیزندند تا نماینده‌شان بر سر کار بیاید. در جلسه‌ای که تشکیل شد، شورا به تمام اتهامات کارفرمای و عواملش پاسخ داده و توطئه‌های ضد شورایی آنها را خنثی نمود. هر چند کارگران با اقدامات افشارگرانه و پکارچه‌شان مانع از اجرای توطئه‌های ضد کارگری و ضد شورایی کارفرمای شدند ولی در شرایطی که فشار کارفرمای و عواملش به اتكای حمایت مقامات مسئول دولتی از هر طرف بر کارگران و نمایندگان شورا بیشتر وارد می‌آمد، استعفای دبیر ادارت کار و دادستانی و جلب حمایت آنان، فشارش ایجاد کارگران و شورا بیشتر کرد، تا این که در حدود سه هفته پیش از طرف دادستانی حکم احضار نماینده کارگران (دبیر شورا) صادر شد و دادستانی استار بازگشت عناصر تصفیه شده و اخراجی بر سر کار شد و دخالت شورا در امور کارخانه را "غیر قابل قبول" دانست. تحت فشارهای همه - جانبه دستگاه‌های دولتی و عوامل نصب نماینده‌ها قرار گیرد نه اعمال فشارهای خارجی و دخالت‌های غیرمسئولانه مقامات دیگر.

بیش از دو ماه است که کارگران مبارز شوفاژ کار برای گرفتن خواسته‌های ایشان (اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و ...) مبارزه می‌کنند و هر روز که می‌گذرد توظیه‌های کارفرمای (حاجی بابا) و عواملش نیز بر علیه کارگران بیشتر و بیشتر ابتداء کارخانه، کوشید از درون کارخانه، افرادی نظریه‌باندهای سیاه را برای از هم پاشاندن شورا و اتحاد کارگران تشکیل دهد، که در اثر هشیاری و اتحاد کارگران این توطئه به شکست انجامید و شورا برای خنثی کردن توطئه‌های آتی کارفرمای و تعزیز پایگاه او در پاکسازی انقلابی و اخراج ۳ تن از عوامل کارفرمای شد. کارگران چنین استدلال می‌کردند که در کارخانه عواملی هستند که نمی‌گذارند کارخانه بگردد، این عناصر در کارخانه اخلال می‌کند، بین کارگران دودستگی می‌اندازند.

کارفرما برای تحکیم پایه خود

در کارخانه علیه شورا تو طئه چینی می‌کند

دستگاه‌ها را عمدتاً مختلف می‌کنند، اینها همه‌شان دست نشاندگان سرمایه‌دارند و باید تصفیه و اخراج شوند. طرح پاکسازی یعنی این که عوامل ضد انقلاب باید دستشان از سر کارگران و کارخانه کوتاه شود". ولی کارفرمای باز بیکار نشسته و با مراجعه به کمیته و وزارت کار و دادستانی و فشار کارفرمای و عواملش به اتكای حمایت مقامات مسئول دولتی از هر طرف بر کارگران و نمایندگان شورا، حركتی و نمایندگان شورا بیشتر وارد می‌آمد، استعفای دبیر ادارت کار و دادستانی استار بازگشت عناصر تصفیه شده و اخراجی بر سر کار شد و دخالت شورا در امور کارخانه را "غیر قابل قبول" دانست. تحت فشارهای همه - جانبه دستگاه‌های دولتی و عوامل نصب نماینده‌ها قرار گیرد نه اعمال فشارهای خارجی و دخالت‌های غیرمسئولانه مقامات دیگر.

در کارخانه علیه شورا تو طئه چینی می‌کند، اینها همه‌شان دست نشاندگان سرمایه‌دارند و باید تصفیه و اخراج ۳ تن از عوامل کارفرمای شد. کارگران چنین استدلال می‌کردند که در کارخانه عواملی هستند که نمی‌گذارند کارخانه بگردد، این عناصر در کارخانه اخلال می‌کند، بین کارگران دودستگی می‌اندازند.

حمایت از شورا در برابر شعار «شورا بی شورا»

اعضای شورای کارخانه را بطور پکارچه از شورا تهدید به بازداشت نمود. ولی کارگران در برابر این تهدیدات متحداً ایستادگی کرده و با جمع‌آوری اضاء و مسئولانه وزارت صنایع و معادن پشتیبانی کرده و اینگونه سیاست‌های ضد کارگری و ضد شورایی را در ایران یاسا، شورای کارخانه را تحت فشار قرار داده و رسم خواستار عدم دهالت شورا در امور کارخانه شد. شدیداً محکوم کردند. وزارت صنایع و معادن چند بار کارگران مبارز ایران یاسا

در آمد، بنا بر وصیت نامه‌اش جسد او سوزانیده شد و خاکستریش به دریا سپرده شد.

بقيه‌اوزصفحه ۲۰

بمناسبت هشتاد و پنجمین سال...

بنای یادبود انگلیس سهم او در غنای گنجینه مارکسیسم و آثار اوست که منبع بی‌کاران از روستاهای (مریع)، "چارک"، "کلات معمید"، "رستمی" و "رستاق" و حتی خود بندر لنگه در پی نان بخور و نمیر آواره شیخ نشین‌ها شده‌اند. روستاهای فوق اکنون یا کاملاً مترونده است.

باشم، امیدوارم که مرگ هر کشور، جنبش کمونیستی را در آن کشورها تقویت می‌کرد و به راستی که شایسته نام رهبر پرولتاریای جهان بود، انگلیس یک بار در سن هفتاد سالگی نوشت: "هنگامی که دیگر من در ۵ اوت ۱۸۹۵ از پای مارکسیسم در شرایط مشخص به سراغم بیاید". پنج سال بعد زمانی که در اوج فعالیت‌های انقلابی خود بود و تدوین تاریخ انگلیس یک بار خود داشت دچار برنامه کار خود داشت دچار بیماری سختی شد و بالاخره در ۵ اوت ۱۸۹۵ از پای

پر قوان باد جنبش طبقه کارگر

بیشتر میاده ات ضد امد فالسته - دمک اتیک خلقیا، اه اه

هر دو آگاهانه از جانب انحصارات امپریالیستی برای دامن زدن به بحران اقتصادی ایران تنظیم می‌شود. در اینجا نکات ظرفی نهفته است که در پس آنها سرمایه‌داران وابسته به تازاج شمرات، کار کارگران و رحمتکشان ایران مشغولند. در بالا نمونه‌هایی از سرمایه‌داران وابسته فراری را ذکر کردیم که با قرار گرفتن در شیخه جهانی انحصارات امپریالیستی، کنترل این انحصارات را بر صنایع وابسته ایران اعمال می‌کنند (مورد خیامی و وهابزاده) اما اینگونه نحوه عمل به این نمونه‌ها محدود نمی‌شود. تعداد قابل توجهی از سرمایه‌داران وابسته در خارج از ایران (در کشورهای اروپائی، کشورهای خلیج فارس، هند...) شرکتهای تجاری ایجاد کرده‌اند (برخی از گذشته چنین شرکتهای داشته‌اند). و سرخ پیوندهای امپریالیستی را با صنایع وابسته ایران به دست گرفته‌اند.

در موادری نیز تولید صنعت وابسته تحت عنوان استفاده از اطلاعات فنی و روش‌های تولیدی انحصارات امپریالیستی به ثبت رسیده و سهام سرمایه‌داران وابسته آن به تملک دولت در آمده است. این دسته از سرمایه‌داران وابسته با زد و بند با انحصارات امپریالیستی اجازه و پروانه تولید محصول مورد نظر را به نزدیکان مشروع خود واگذار کرده‌اند. در نتیجه صنعت وابسته که در مالکیت دولت درآمده قانوناً و عملتاً توان تولید محصول صنعت وابسته را از دست می‌دهد و سرمایه‌دار وابسته دیگری در این موقعیت قرار می‌گیرد که به تشخیص زعامای دولت نه وابسته بلکه هم "مشروع" است و هم "مشروط". هرچند در مواردی از این نوع ناکون در صنایع عمده رخ نداده است اما در زمینه‌های محدود تر در صنایع کوچکتر شاهد چنین دست به دست شدن "هایی در صنایع و پیوندهای امپریالیستی بوده‌ایم.

اما در مورد صنایعی که در بند ب قرار دارند، کار خرابتر از اینهاست. سرمایه‌داران وابسته توانستند عموماً برای کسب حداقل سود و از طریق حقه‌بازی‌های

بخشی از اعلامه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

- شاخه لرستان

و بیرون آوردن آن از ضعف ایدئولوژیک - سیاسی موجود یک ضرورت بسیار مبرم و حیاتی است، در شرایطی که کلیه ارگان‌ها، اعضاء و نیز هواداران سازمان به چنین ضرورتی پی برده‌اند و پیوسته بر آن تأکید می‌ورزند و عملنا نیز قدم‌های مثبت و اساسی در جهت تدارک این مبارزه پرداشته شده‌است. اقدام آن‌حال قطعیت بخشید.

مسئله اشغال - اقلیت - سازمانی برای ما و اکثریت هواداران از دو زاویه قابل ارزیابی است: ما اعتقاد داریم نسبت به گذشته سازمان و مشی حاکم بر آن دارای مرزبندی ایدئولوژیک مشخصی هستیم بنا براین به هرگونه حرکتی که ما را از بینش گذشته دور و به مواضع مارکسیسم - لینینیسم تزدیک نماید، هر اقدامی که صفت ما را از صف معتقدان به آن بینش مجرا سازد، تنهیت می‌گوئیم و در نهایت آن را به نفع جنبش کمونیستی می‌دانیم.

اشغال - اقلیت - سازمانی گذشته از جنبه‌های مثبت دارای نتیجای منفی و زیانبار - هرچند موقتی - میباشد. از آنجا که هنوز مبارزه ایدئولوژیک کافی بر سر مسائل مورد اختلاف صورت نگرفته است این انشاعاب زودرس می‌تواند موجبات سردرگمی بسیاری از هواداران و توده‌ها را فراهم نماید و در نتیجه منشاء صدماتی به جنبش کمونیستی ایران شود به ویژه وقتی منشعبین اذعان دارند که اختلاف آنها با اکثریت سازمان به رد پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک با اپورتونیسم

چپ و راست در درون جنبش کمونیستی می‌شود. در شرایطی که جنبش کمونیستی بیش از هر زمان دیگر به وحدت و انسجام صفو خود نیازمند است، در شرایطی که مبارزه ایدئولوژیک برای ارتقاء جنبش کوئی



"هلهه"

رفیق کارگر، مهدی ۱ هدیه شما، مدد لنین، آموزگار بزرگ کارگران جهان، به دستمن دهیم. از لنین بیاموزیم، در سنگر لنین استوار بیکار تدبیم و همچون لنین دوست بدایریم سوسیالیسم را. با درودهای زینی - "کار"

توضیح: کد کمکهای مالی شاخدنی سازمان در لیست کمکهای ماز ۱، هفته درج شده است.

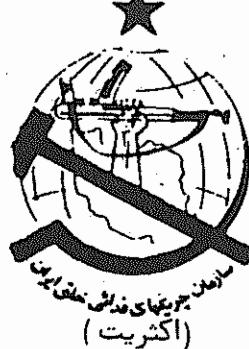
قابل توجه رفتنا! شما توجه به اینکه گاهی ناصله زمانی ارسال گفت مالی از جانش شما و تضمیم و چاپ "کد + مبلغ" در "کار" پد دو با سمعه می‌گشند در صورت چاپ نشدن "کد + مبلغ" خود مدع از هفته در این مورد نذکر نمی‌شود.

کمکهای مالی دریافت شد

	ف	س	ج	آ و الف
۸۱۰	۵۲۰۰	۵۵۱۷	۵۲۱۲	۲۰۵۷
۲۱۸۵	۸۰۲۲	۳۲۲۲	۲۵۱۱	۳۱۲۹
۲۱۲۳	۱۵۰۳۷	۶۵۱۷	۲۸۲	۲۷۱۲۲
۵-۱۵۱۶	۶۶۵۲	۲۶۲۶۹		۲۵۵۵۵
۲۱۰۵	۱۰۱۵۰	۱۱۱۹۰		۸۹۸۹
۱۲۰۱۲	۷۸۰	۳۲۲۲		۱۰۲۸
۵۵۰۰		۴۵۱۸۷		۲۰۶۰
۴۰۱۶		۵۰۵۶		۲۷۲۵۷
۶۱۱		۴۰۱۱۱		۲۰۳۵۷
۵۱۲۳	۵۵۰۱	۳۵۷		۵۷۵۳
۱۰۴۰۰				۲۲۲۱
۸۰۰۱				۲۰۲۰
۲۲۲۳				۳۴۲۴
۲۰۰۲				۱۹۵۵۵
۴۱۰۰				۲۰۱۰۰
۱۶۰۳				
۱۰۴۲۰۰				
ن				
۲۱۱۱	۲۲۴۰	۱۱۲۲۷		۲۰۰۴
۷۵۷	۱۰۱۴۲	۲۹۹۹		۲۰۰۶
۵۱۰۳	۲۲۴۵	۴۵۳۱		۶۲۰۰
۶۰۱۰	۵۰۰۰	۵۰۴۸		۲۸۰۰
۵۱۰۲	۱۲۱۴	۱۰۰۹۲		۲۸۰۰
۵۲۰۲	۵۲۳۲	۵۵۲۲		۱۵۰۳
۵۲۳۱	۴۸۷			۱۰۱۰۱
و				۱۴۱۰
۱۰۲۰	۱۰۲۳۰			۶۲۰۰
ه				۵۱۱۲۵
۵۸۹۴	۴۴۶۵	۵۸۸۱		
۱۸۱۲	۵۱۲۲	۱۰۷۷۲		
۷۳۵		۵۱۱۲		
ی				
۱۸۷۵	۱۰۲۰۲	۱۰۲۱		
۱۰۱۲۲				
بدون حرف				
اول سام	۱۰۱۴۱۴	۲۰۲		
۴۰۰۰	۱۰۵۵۵	۱۰۱۱۱		
۲۰۳	۱۰۵۵۵	۱۰۰۲		
۵۱۹۲	۵۱۲۷			
۹۲۲				
ز	۱۱۱۰			
۱۱۱۰ هدیه سما رسید				
۱۴۱۴۱۴				
مهدی ۲۰۰۰				
ب	۷۷	۱۰۳۵۸		
ریفی ۷۷-ش				
هدیه شاریبد.	۱۰۱۲۰			

قسمتی از
بیانیه هاداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

مازنداران ”درباره انشعاب اقلیت“



می‌گوئیم صاحبان چنین بینشی محاکم به پراکنده بودن و پراکنده ساختن دائمی هستند.

۴- با توجه به ماهیت ایدئولوژیک رفقای اقلیت که بازتاب مواضع طبقاتی آنهاست، چپروی و ماجراجویی آنها در هر زمینه‌ای اجتناب ناپذیر است. این خصوصیات ناکنون خود را در تحلیل آنها از حاکمیت سیاسی ایران، موضع گیری در برابر صلح کردستان، برخوردشان با بینش گذشته سازمان، انشعاب از سازمان و... نشان داده است.

۵- اکنون جریان‌ها و محافل گوناگون از جمله در درون حاکمیت با سوء استفاده از مشکلات ما و نیز انشعاب به خیال خویش در بی اعتبار کردن کمونیستها می‌کوشند. ما قاطعه‌نه اعلام می‌کنیم که کمونیستها هرگز از اصلاح دائمی نظرات خویش در برابر کردن ضروریات ناشی از مبارزات طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش و تصفیه این می‌صفوف خویش از جریان‌های غیر کارگری لحظه‌ای به خود بیم راه نمی‌دهند. آنها هرگز از توضیح علل و ریشه‌های مشکلات و اشتباهات خویش به طبقه کارگر و توده‌ها خسته نخواهند شد. کمونیستها این توضیحات را آموخت و تربیت سیاسی طبقه کارگر و توده‌ها می‌دانند.

۶- ما استفاده فرصل طلبانه از این انشعاب را توسط جریان‌های مدعی مارکسیسم کوششی در جهت تضییق و پراکنده‌گی جنبش کمونیستی ایران دانسته، عواقب منفی اینکوه بروخورددهای غیر مسئولانه را مستقیماً متوجه مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران می‌دانیم و قاطعه در جهت افشا و طرد این جریانات می‌کوشیم. در عین حال ما هرگونه بروخورد و کوشش سازنده و اصولی جریان‌های انقلابی م - ل و مترقب را گام‌های ارزشمندی در جهت ایجاد زمینه‌های وحدت می‌دانیم.

کارگران آگاه و مبارز!
هاداران رزمende و انقلابی!

هم اکنون دشمنان طبقه کارگر و کمونیستها با پخش شایعات گوناگون با تکیه بر مسئله انشعاب در سازمان و

اکنون بیش از یک ماه است که اقلیتی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با انتشار شریه "کار" جداگانه، عمل انشعاب خود را اعلام کرده است.

وظیفه خود می‌دانیم که نظرات و مواضع خود را درباره این انشعاب اعلام داریم: ۱- ما بر سر اساسی ترین اصول ایدئولوژیک با اقلیت سازمانی اختلاف نظر داریم و تلاش آنها را که سعی دارند اختلافات ما را به عرصه سیاست کشانده و به آن محدود نمایند، بیهوده دانسته و این تلاش را تظاهر دیگری از انحرافات ایدئولوژیک آنها می‌دانیم.

۲- ما شیوه‌ای را که رفقای اقلیت برای انشعاب اجتناب ناپذیرشان برگزیده‌اند، شیوه‌ای غیر اصولی و سازمان‌شکنانه دانسته و آن را محکوم می‌کنیم. آنها با اتخاذ این شیوه غیر کمونیستی، بیش از پیش ماهیت طبقاتی و نتیجتاً ماهیت ایدئولوژیک غیر پرولتاری، خود را نشان داده‌اند. ما نظر رفقای شاخه گیلان سازمان را تکرار می‌کنیم که رفقای اقلیت "فراسکیون خود را نه بر مبنای نظرات خویش بلکه نظرات خویش را بر مبنای فراسکیون خود سازمان داده‌اند" به اعتقاد ما انقلابیون کمونیست آنها که به ایدئولوژی ظرف‌نمون طبقه کارگر یعنی مارکسیسم - لینینیسم مجهرند، برای پیشبرد نظرات ایدئولوژیک - سیاسی بروحق خود هرگز دست به شایعه پراکنی، دروغ پردازی، هوچی‌گری و شیوه‌هایی که با اصول اخلاقی‌شکنانه است نخواهند زد و ما بر این اساس اقدامات غیر اخلاقی رفقاء اقلیت" را در برخورد با اکثریت سازمان محکوم می‌کنیم.

۳- ما بینش رفقاء اقلیت را اساساً انشعاب طلبانه و وحدت‌شکنانه می‌دانیم. آوانتوریسم ذاتی بینش آنها و معیارهای حرث‌بورزواشان در امر وحدت - وحدت نه بر اساس ایدئولوژی بلکه عدالت در حوزه سیاست و تشکیلات - عواملی هستند. که آنها را از درک مفهوم پرولتاری وحدت عاجز و ناتوان می‌کند. هرگونه سمت‌گیری به سوی وحدت بر اساس منافع طبقه کارگر و بر اساس مواضع روش ایدئولوژیک، وحدت‌شکننده این جریانات را درهم می‌شکند. از این روست که قاطعه

قسمتی از اطلاعیه

هاداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - خراسان

تبلیغات که دقیقاً ناشی از ضعف رفقا در برابر تکوین خلق‌های تاریخ به شیوه‌ای بورژوازی بر علیه سازمان عملی می‌شود، پیزا هن عنمان شده و حنی تبلیغات صدا و سیمای جمهوری اسلامی بیش از پیش بر علیه فدائیان بالا گرفته و ساعتها برای بدینکنند توده‌های مردم نسبت به کمونیستها به تبلیغات ضد فدائی می‌پردازند.

بینش حاکم بر "اقلیت" چیز تازه‌ای نیست. این همان بینشی است که اگر چه در حرف دشمن سر سخت اپورتونیسم راست می‌باشد ولی در صحنه سیاست و عمل با دست زدن به فعالیت چپروانه خود که جز فرار توده‌ها و عدم پیوند آنها با پیشو را به دنبال ندارد، زمینه را برای رشد رفمیسم "توده‌های" بیش از پیش باز می‌گذارد.

این بینش از آنجائی که از واقعیات می‌گریزد و ریشه در آوانتوریسم دارد، اگر با آن مبارزه اصولی و جدی نشود می‌تواند در شرایط پیچیده کنونی حاکم بر میهن ما بزرگترین لطمات را بر جنگش کمونیستی ایران و بالطبع بر جنگش ضد امپریالیستی - دمکراتیک ایران وارد سازد. بر همین اساس ما وظیفه همه رفقاء می‌دانیم که در برخورد با این بینش که باعث رشد اپورتونیسم

رشد سریع مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهن ما و سایرها عظیم طبقاتی یکسانه اخیر، تحولات شگرفی را در جنبش کمونیستی - کارگری ایران و در راس آن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به وجود آورده است. این تحولات عظیم با دستاوردهای سرشار تجربی و تئوریک خود، اپورتونیسم راست و چپ را که محصول دوران رکود جنبش کارگری و... می‌باشد و اداشته است برای جلوگیری از زوال خود فدائیان خلق را زیور شدیدترین ضربات خود قرار دهدند.

انشعاب اتحاد طلبانه "اقلیت" که در پوشش دفاع از "پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک" و "جلوگیری از برخورد با گذشته" و "باگشت به اصول" در سازمان انجام گرفت، بهترین فرصل را برای دشمنان طبقه کارگر فراهم کرده است.

این رفقة همانطوری که درک درستی از رابطه "عین" و "ذهن"، "ماده" و "ایده" ندارند و "پیشرو" را جای توده می‌گذارند. می‌کوشند چنین وانمود کنند که گویا تحولات سازمانی که محصول تلاش توده‌های خویش در کلیت خود می‌باشد فقط بر اثر نفوذ "چند نفر ایستگفتار در رهبری" عملی گشته است. اینکوئنه

ضربات ناشی از آن، سعی در انحراف افکار و تضعیف روحیه رفقاء هادار و خصوصاً کارگران رزمnde و پیشو و دارند. رفقا باید از رهبر کبیر پرولتاریا بیاموزند که: "در هر حزب توده‌ای چنین علی (علل بالقوه انشعاب) همیشه وجود داشته و همیشه عود خواهند کرد" و این علل چیزی جز انعکاس مبارزه طبقاتی جامعه در درون هر حزب و سازمان سیاسی نیست. مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان‌های سیاسی طبقه کارگر به عنوان وجهی از مبارزه طبقاتی، همیشه ستیز میان اندیشه پرولتاری و در پروسه رشد خود بعنوان عامل بازدارنده مبارزات طبقه کارگر خود را می‌نامیاند، در مقابل آشتی ناپذیر با ایدئولوژی ظفرنمون پرولتاریا قرار گرفته و حاملین آن چاره‌ای جز جدایی نخواهند داشت.

انگلیس می‌گوید: "وحدت نا زمانی که مقدور است عالی است، اما چیزهایی هستند که مافوق وحدت اند" و درست از همین جاست که ما انشعاب اقلیت را علی‌غم غریزه وحدت طلبی کارگران و رفقاء هادار، گامی مثبت در جهت زدودن پیرایه‌های غیر مارکسیستی از درون سازمان و بهبود کیفیت مبارزاتی آن میدانیم. ما اکنون آبدیده‌تر، متعدد و مصمم‌تر از پیش با تجربه‌اندوزی از ده‌سال مبارزه، به ویژه با اتفاق مبارزات متحول طبقه کارگر و توده‌ها و به‌امید درس - آموزی بیش از پیش از این مبارزات و تصحیح و تکامل هرچه بیشتر نظارت خود همراه و همگام با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) به پیکار خویش ادامه می‌دهیم.

بکوشیم نا با تکیه بر رهنمود لینین" کارگران باید یاد بگیرند که هر علت بالقوه انشعاب را در نظر داشته باشند" از طریق شناختن هرچه دقیق‌تر ریشه‌های ایدئولوژیک - طبقاتی انشعاب اقلیت و شناساندن آن به طبقه کارگر و توده‌ها، دستاوردهای ارزشی و شایسته تقدیم جنبش کمونیستی بیناییم.

راست می‌گردد تعامی توان ایدئولوژیک سیاسی خود را به کار گیرند و با متأثت و شکیبائی کمونیستی همراهی کارگران را می‌گیرند. این می‌گیرند و باعث این می‌گیرند.

ما وظیفه خود می‌دانیم به همه نیروهای آگاه و انقلابی توضیح دهیم که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با این بینش‌اختلاف اصولی دارد. اختلاف سازمان با "اقلیت" ریشه در کلی ترین و اساسی ترین اصول مارکسیسم - لینینیسم دارد. امروز فدائیان خلق جریان روبه گسترشی هستند که با درس آموزی از تجربیات غنی و پریار دوران پر افتخار مبارزاتی خود در جریان یکی از توفنده‌ترین مبارزات طبقاتی تاریخ که در میهن ما در جریان است، در روشانی اندیشه‌های تابناک مارکسیسم - لینینیسم متعدد و یکپارچه و با عزمی آهنین به پیش می‌تازند و در این راه بدون دادن کمترین بهایی به حملات زهراگین اپورتونیسم چپ و راست به هیچ نیرویی جز نیروی لایزال توده‌های تحت ستم تکیه نمی‌کنند. فدائیان خلق از کوران‌های سخت و دشوار مبارزه سر برآورده‌اند، از دهلیز خون گذشته‌اند و فراز و فرودها را دیده‌اند و طعم شکست و پیروزی‌های فراوان را چشیده‌اند. فدائیان خلق که اینک با کوله‌باری از آزمون‌های سترگ پیکار خوین، در وحدت با جنبش کارگران و رحمنشان راه پیروزی‌های نوینی را در پیش گرفته‌اند، خواهند توانست در برابر تمام حملات گرایش‌های انحرافی سرافراز بیرون آیند.

هاداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - خراسان

۶ تیر ماه ۱۳۵۹

و دم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

خواهین بختیاری علیه ۰۰۰

بقيمه از صفحه ۲۰

اعشاپر زحمتکش در راه اتحاد
امپریالیست مجدانه تلاش
کنند.

کیهان

حمله شدید سپاه پاسداران به دادگاه انقلاب شیراز

شیراز - خبرنگار کیهان - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبع مرگ میکنند و قبیل از افسای اسناد خانهای امریکا شدیداً آنها حمایت میکردند من پرسیم چه شد که سوک بهتر عزیزان این ملت و نورچشمان امامحتی کوچکترین ناراحتی بخود راه ندادید؟ در قسمی دیگر از این اطلاعیه اضافه شده دادگاه انقلاب اسلامی شیراز در این مدت برای دستگیری مجرمین حدثه فیروزآباد چه کرد هاست و اصولاً کارشنان بد دادگاه چه بوده است! آیا جز این نیست که در این مدت فقط مبارزه سرمهخت با کشاورزان زحمتکش ناشته و حمایتی نداشته و خانهای شدوده است و دادگاه انقلاب را به بیندادگاه ضد انقلاب و ضد اسلام تبدیل نموده است؟ اسامی پاسداران شهید و قبیع فیروزآباد باین شرح است: رحیم رضائیزاده - کرامت امیرتیموری، اسفندیاریناھی، حاجی درویش میرزاچی و رمضان سپاهی.

فعودال توسط پاسداران دستگیر شدند

اهواز - خبرنگار فوجیان یوسفیه پاسداران انقلاب اسلامی از فودال ها با تصمیمات این هیات خلافت کردند که در نتیجه باعث زد و خورد و ضرب و جرح روزگاریان شد. این گزارش حاکیست بدنیان این زد خود را بالا فصله سپاه پاسداران وارد عمل کرد و چهار تن از این فودال ها را به امام عبدالرازاق سید کریم نعمتی نژاد فودال سرپرده به طاغوت، شیخ قیم و شیخ همپر را دستگیر گردند.

وسيعی يافته است خشم همه مردم آگاه را برانگيخته است چنین اعدام هایي هرگز خلی در مبارزه کمونيستها و دیگر نیروهای انقلابی در مبارزه چنین اعدام هایي هرگز خلی می باشد! ما ضمن اعلام تنفر خود از اعدام مبارز انقلابی "تقی شهرام" و دیگر انقلابیونی که در گوش و کنار ایران به جوخر اعدام سپرده شده اند چنین جنایاتی را قویا محکوم می سازیم. رشد و گسترش اعدام می شوند - از اعدام می شوند خائن تا



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکتربت) (شاخه خوزستان)

قسمتی از اطلاعیه

"دریاره انشعاب اقلیت"

لینینیست توسط سازمان در مبارزه با جریانات انحرافی چپ و راست به شدت نگران است. چرا که "حزب توده" به خوبی می داند سازمان ما با تعمیق بردن هر چه بیشتر درک اصولی خود از مارکسیسم - لینینیست، با بهره چوئی از تجارت جهانی کمونیستی و بربادی پیوند با جنبش طبقه کارگر ایران و به پشتونه اعتبار حاصله از سالها مقاومت (ونه فرار) و بیکار خونین و قهرمانانه با یکی از سفاکترين رژیم های دیکتاتوري، از طرفت و توانائی کاملی در جهت افراد و طرد اپورتونیسم راست و فرتوت "حزب توده" بخودار است. تنها با توجه به واقعیات فوق است که درین بایم چرا "حزب توده" شیادانه می کوشد ناظرات اصولی و مبتنی بر مارکسیسم - لینینیست توشه نظرات غیر اصولی و به غایت انحرافی را درست روانه خود جلوه دهد و بدین طریق "کسب انتشار" کند.

شاخه خوزستان از کلیه رفقاء هوادار قاطعانه می طلبد در چارچوب موضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان به دفاع از سازمان خود برخاسته اقدام "ماجراجویانه" و انشاعابگرانه "اقلیت" را برای توده ها و نیروهای سیاسی توضیح دهنده و همیشه به یاد داشته باشد هر ضریه اپورتونیسم چپ و راست بر پیکر سازمان ضریه ای بر جنبش کمونیستی و کل جنبش ضد امپریالیستی - دیکتاتیک توده های میهمنان است.

شاخه خوزستان با تمام قوا خواهد کوشید تا "شادی" و "سرت" موقتی اپورتونیسم چپ و راست به یاس و "نمیدی" همیشگی بدل شود.

مستحکم باد وحدت رزمnde صفوی سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران

تابود باد توطئه نفاق افغان و فرست طبان

در اهتزاز باد پرچم پیکار جوی ضد امپریالیستی

طبقه گارگر ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شاخه خوزستان

۱۶ تیرماه ۱۳۵۹

انشعاب "اقلیت" زمینه مساعدی برای سو استفاده اپورتونیسم چپ و راست فراهم آورده تا از هر طرف سازمان ما را آغاز تیرهای زهرآگین تهمت و افترا، شایعات و دروغ پردازی های فتفحانه قرار دهنده و این در شایعی است که هر ضریه بر پیکر جنبش کمونیستی ایران و کل تدبید ضربه ای بر پیکر جنبش کمونیستی ایران - دیکتاتیک توده های میهین خواهد بود. اپورتونیسم چپ که از انشعاب "اقلیت" کودکانه به وجود آمده از زبان "سازمان پیکار" "سرت" و "شادمانی" نیروهای راستین کمونیستی !! را از حرکت "ماجراجویانه" "اقلیت" اعلام و به "اقلیت" "تبیریک" می گوید.

باید پرسید جریانات موسوم به خط ۳ که هم در زمینه بینادهای ایدئولوژیک ناظر بر سایل جنسن جهانی کمونیستی و هم به ویژه در زمینه "چریکی" دارای اختلافات عمیق "اصولی" ! با "اقلیت" هستند چگونه "اقلیت" را به عنوان جریان اصلی مارکسیستی - لینینیستی درون سازمان مورد حمایت قرار داده اند؟ واقعیت این است که نظریات اعلام شده توسط "اقلیت" در زمینه "خط" و "برنامه" در جوهر خود با نظریات خط ۳ و نیز خط ۴ یکسان است به اعتقاد ما نظریات به نوبه خود و علیرغم هرگونه انکار و اکراه و پرخاش از اندکندها از طریق یک خط آشکار انحرافی به کانون نظریات گروه اشرف وصل می شوند. نظریاتی که با نادیده گرفن واقعیت، مقدم شرمن ذهن بر عین و تصویر کامل نادرست رابطه توده و پیشو، آثارشیم را به عنوان وجه مشترک تعاملی جریانات فوق پیش پای آنان قرار می دهد و بدینسان روشن می شود که چرا اپورتونیسم چپ حرکت "انشعابگرانه" خود علیه ما و اصولیت مارکسیستی - لینینیستی عمق یابنده سازمان ما قرار داده است.

از سوی دیگر اپورتونیسم پی کران و کهنسال راست که از سوی "حزب توده" تعاوندگی می شود، فرست طبانه و شیادانه در پی جریان و روشکنگی سیاسی دراز مدت خویش است. "حزب توده" در واقع از تعمیق بردن اصول مارکسیسم - لینینیست و شیوه برخود مارکسیستی

نقی شهرام، اجازه نداد دادگاه از محاکمه او...

بقيمه از صفحه ۱۲

دادگاه نتوانست محاکمه او را و کودتاگر، ماهیت عمل ضد مردمی اعدام این مبارز انقلابی را آشکارتر ساخت و موجب اعتبار کودتاچیان و سایر عوامل امپریالیست در

نزد افکار عمومی مردم جهان گردید. دادگاه های انقلاب با چنین سیاست هایی است که می کوشد دوستان و دشمنان خلق را بر اساس اعتقدات مسلکی و غقیدتی آنها تعیین کند. ته بر اساس چگونگی موضع آنها نسبت به امپریالیسم جهانی. این سیاست در طول ۱۷ ماهه پس

از قیام بهمن ماه، ضربات مهملکی بر مبارزات انقلابی مردم وارد آورده و پیشترین استفاده را

نصیب امپریالیسم امریکا ساخته است و از همین جهت است که امپریالیسم جهانی نیز "پیگیرانه" ! در صدد دامن زدن به چنین سیاستی

است. اعدام "نقی شهرام" بارز پر ساقعه دوران

توسط دادگاه های انقلاب اعدام می شوند - از کودتاگران خائن تا

آن افکاری را که باعث بروز روش های نادرست و تصفیه های خونین گردیده، مورد بررسی قرار دهد و هر یار که او لب به سخن می گشود از او خواسته می شد که از جنایی "دفاع کند! اما همین دادگاه بیشترین تلاش را از سوی خود به کار برد که در طول جلسات "جریانی" را که در سال های دهه ۵ سرinxتane علیه رژیم شاه چنگیده بود، به محاکمه کشاند و از آن طریق به زعم خود سازمان مجاهدین خلق ایران و انقلابیون کمونیست را محکوم کند. راستی روای دادگاه چگونه این امر را توجیه می کنند که شهرام تنها اجازه داشت در چارچوب این اتهام جنایی! اما این آقایان سرتاسر جلسات را به "محاکمه" نیروهای انقلابی تبدیل ساختند. شهرام با این اتهام جنایی این اگاهی از مقاصد دادگاه از اول چنان رفتار کرد که

برای ایجاد محیط رعب و وحشت محافل وابسته به امپریالیسم امریکا مردم را کشتمانی کنند

مقارن ساعت ۱۵ صبح چهارشنبه اول مرداد ماه ۱۳۵۹ بمب قدرتمندی در پاساز کپیانی لالمزار منفجر شد که ۶ کشته و ۸۰ تن مجروح بجا گذاشت. حادثه لالمزار و کشتمانه مردم توسط ایادی امپریالیسم و احتمالاً توسط شبکه‌های وابسته به بختیار اویسی برای ایجاد محیط رعب و وحشت و دامن زدن به هرج و مرج و گسترش اقدامات فاشیستی صورت می‌گیرد. آین کشتمانه ما هیئت ددمنشانه و ضدمردمی باند بختیار اویسی و دیگر دستجات وابسته به محافل امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را بازگو می‌کند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "اکثریت" ضمن اعلام انزواج عمیق خود، از همه نیروهای انقلابی ترقیخواه و ضد امپریالیست می‌خواهد که با هوشیاری انقلابی برای درهم شکستن شبکه ایادی امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن پیگیرانه تلاش کنند.

خوانین بختیاری علیه انقلاب و سیاست سازمان می‌یابند دادگاه انقلاب اسلامی شیراز از خوانین و فئودال‌ها دفاع می‌کند

براساس اطلاعاتی که در فئودال‌ها مبدل شده است، بطوری که در چهل‌مین روز شهادت پنج تن از پاسداران شیراز و فیروزآباد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شیراز طی اطلاعیه‌ای دادگاه انقلاب اسلامی شیراز را مورد حمله شدید قرار داد و آن را حامی فئودال‌ها و خان‌ها معرفی کرد.

کار دفاع از خوانین و فئودال‌های منطقه فارس به آنجا کشیده است که رئیس جمهور بنی صدر، در مصاحبه رادیو - تلویزیونی روز جمعه سوم مرداد ماه، از گزارش مردمی که صدا و سیمای جمهوری اسلامی از منطقه فارس و نقش ستمگرانه خوانین تهیه کرده بود، ابتقاد کرد و آن را اقدامی علیه خود خواند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "اکثریت" بار دیگر ضمن حمایت قاطع از مبارزه علیه خوانین و فئودال‌های منطقه، از تمامی فئودال‌های منطقه، از میکنند. دادگاه منطقه اقدام می‌کند. دادگاه انتقام را گرفته و آشکارا علیه پاسداران و زحمتکشان افتاده بود آثار کمونیست‌های اکثر کشورها را می‌خواند، به آنها رهنمود می‌داد، برای نشریاتشان به زبان محلی مقاله تهیه می‌کرد. او از طریق به کار گرفتن فرمول‌های در صفحه ۱۹

دست داریم خوانین بختیاری علیه انقلاب ایران مشغول سازماندهی جدیدی هستند. شبکه‌ای که خوانین فارس در درون آن سازمان یافته‌اند، بخشی از شبکه سرتاسری ضد انقلاب است که توسط بختیار - اویسی رهبری می‌شود.

مزدوران سلحی که توسط خوانین . فارس سازمان یافته‌اند، هم اکنون در منطقه سرکوب دهقانان و عشایر زحمتکش فارس که خواهان مبارزه پیگیر با خوانین و فئودال‌های منطقه هستند، مشغولند. در پیشاری از این درگیری‌ها، سپاه پاسداران از دهقانان و عشایر فارس جانبداری کرده و علیه خوانین اقدام کرده است.

در این میان روحانیون متین‌د منطقه جانب فئودال‌ها و خوانین را گرفته و آشکارا علیه پاسداران و زحمتکشان منطقه اقدام می‌کند. دادگاه انتقام را گرفته علیه خوانین که زیر نفوذ اقلاب شیراز کشورها را می‌خواند، به روحانیون طرفدار خوانین و فئودال‌های سود با پیشبرد مبارزه علیه خوانین و فئودال‌ها حکم صادر کرده و به وسیله‌ای و دفاع از منافع دهقانان و در صفحه ۱۹

بمناسبت هشتماد و پنجمین سال مرگ فردیک انگلش "انگلش آموزگار کارگران سراسر جهان"



۱۴ مرداد (۵ اوت) فردیک انگلش پس از یک عمر مبارزه انقلابی و کوشش پایان ناپذیر در راه پایمیریزی ایدئولوژی طبقه کارگر در سن هفتاد و پنج سالگی درگذشت امروز پس از ۸۵ سال که از مرگ او می‌گذرد نام و آثارش همچنان می‌درخشد و میلیون‌ها رزمnde کمونیست و کارگر انقلابی در سراسر جهان از اندیشه و افکار او در مبارزه خود الهام می‌گیرند.

انگلش دوست و هم رزم مارکس سراسر عمر خود را به همراه وی وقف پیشبرد مبارزه طبقه کارگر و تدوین اصول مارکسیسم، اندیشه عملی قرن ما و راهگشایی پیروزی طبقه کارگر کرد.

هر چند که به قول انگلش سهم عده را در ساختمان تئوری مارکسیسم، مارکس بر عهده داشت اما نقش او در زمینه تکمیل و گسترش مارکسیسم، بی شک غیر قابل انکار است. انگلش متواضعانه خود را "نوازنده دوم" می‌دانست و معتقد بود که "آنچه سهم من در کار بود، مارکس به راحتی می‌توانست خود بدون کمک من انجام دهد، به استثنای شاید دو یا سه رشته خاص علم. اما آنچه را که مارکس انجام داد من هرگز نمی‌توانستم انجام دهم... مارکس از همه ما در محلی رفیع تر ایستاده بود، مارکس نابغه بود، ما حداقل افراد با استعدادی بودیم. بدون او تئوری ما از آنچه که اکنون هست بسیار دور بود. این تئوری به حق به نام او نامیده شده است".

با اینهمه آثار انگلش در غنای گنجینه مارکسیسم از سهم به سرایی برخوردارند: وضع طبقه کارگر در انگلستان (که انگلش در آن برای نخستین بار با مطالعه و بررسی وضعیت طبقه کارگر نشان داد که طبقه کارگر فقط طبقه رنجبر و ستمکش نیست. بلکه رسالت آزاد کردن خود را از استثمار و رهائی کل بشیریت از هرگونه استثمار و

سرمایه‌دار را کشف نماید و نشان دهد که "سرمایه‌داری به سرمایه‌داری انحصاری تبدیل می‌شود". لینین این کشف انگلش را حاوی اهمیت عظیمی می‌شناخت و با تکامل این ایده انگلش، مارکسیسم را تکامل داده و خصوصیات عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری را کشف نمود.

رفیق انگلش در طول عمر پیارash بطور خستگی ناپذیری در کنار مارکس فعالیت و مبارزه کرد. او برای دست یابی به ذخائر متنوع دانش ملل گوناگون موفق شد بیست زبان مختلف را فرا گیرد. پس از موئی مارکس زمانی که بار تمام کارها به تنهایی بر دوش او افتاده بود آثار کمونیست‌های اکثر کشورها را می‌خواند، به آنها رهنمود می‌داد، برای نشریاتشان به زبان محلی آزاد به سرمایه‌داری انحصاری را پیش‌بینی نمود. لینین طریق به کار گرفتن فرمول‌های در صفحه ۱۶